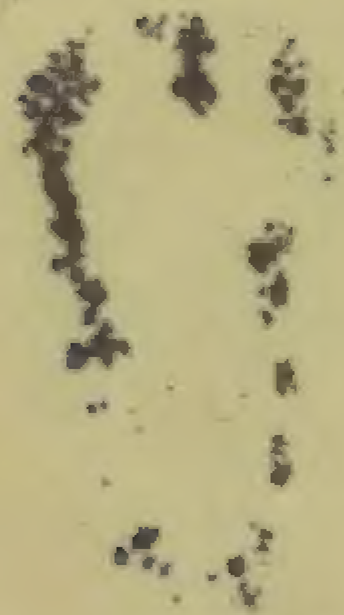






باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ٤٤٠٨

رده‌بندی دیویی: ۶۱۶٫۹۳۱ ک ٤٦١ ع ۱۳۱۸

سرشناسه: کرمانشاهی، محمد بن پیرمحمد، ۱۲٤۵ - ۱۳۲۲ق.

عنوان قراردادی:

عنوان: علاج دیفتری

کاتب: یحیی بن محمد باقر الطادی التفرشی ملقب به کتابت همایون تاریخ کتابت:

محل نشر: تهران ناشر: [بی‌نا] تاریخ نشر: ۱۳۱۸ق.

صفحه شمار: ۱۲۲ص.، مصور. مصور☑ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۱۸×۱۱ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☑ ارسالی☐

توضیحات: خریداری تاریخ ثبت: مهر ۱۳۲۷

یادداشتها: عنوان دیگر: رساله در بیان سرم ترا بادنی و سایر معالجات حیوانیه قابل زرق
ترجمه از فرانسه به زبان فارسی

موضوع(ها): ۱. دیفتری.

شناسه(های) افزوده: الف. طادی تفرشی، یحیی بن محمد باقر، کاتب.
ب. عنوان.

فهرستنگار:

تاریخ فهرستنگاری: اردیبهشت ۸۹



[illegible]

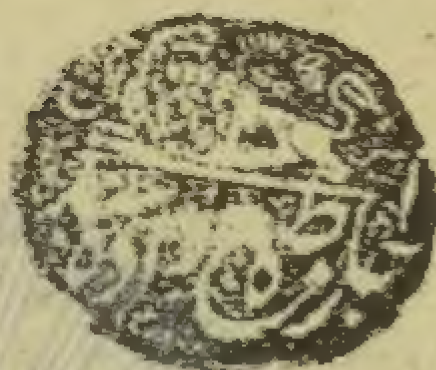




یعنی
رساله در زبان امروزه فرانسه
و سایر زبانهای حیّه تصنیف نابذ از روی ترجمه
بندهٔ درگاه دکتر محمد کرمانشهانی طبیب مخصوص
اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت شاهنشاه ایران خلد الله
ملکه و دولته و سلطنته اللهم عشه و ایده حسبته و دل الی
بنا طلابی کل عز ما دون بهیه نسخه کنا الا لزهر نساها
علیه آمدن و اکنون در کل انجمن کلیه علما بین
وقع الختم حرره در پاریس ۷ فی شهر رمضان
المبارک من شهور سنه هزار و
سیصد و هجده ۱۳۱۸

# دیباچه

## ذکر علاج مفرد



بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

حمد لله الذی عرفنا اسرار حکمته واشرق قلوبنا بانوار معرفته ونور بصائرنا بانکشاف حقائق آثار خلیقته والهمنا رقائق دقائق خلقته والصلوة والسلام علی من اوتی جوامع الکلم واستضاء من مشکوة سریرته لوامع الحکم محمد المبعوث لیتمم مکارم الاخلاق بکرائم موعظته وبتعمیم الحکمة وفصل الخطاب بلطائف کرمته واله وعترته اشرف من انتجب من اکرم ارومته سیما ابن عمه علی امیر المومنین وصیه وخلیفته والائمة الهداة

الطاهرین المعصومین من ذریته

بدانکه ایزد تعالی وتقدس بحکمت بالغه وقدرت کامله

# دیباچه

خلقت انسان را نسخهٔ جامعهٔ امکان فرموده و در هر
عضوی چندان کارخانجات بدایع صنایع و طرف حرف
تعبیه کرده که تنبیه عقول العقلاء عن تعدادها و تعجز
البلیغ حصرها لاجرم سرور کاینات و خلاصهٔ موجودات
رسول اکرم و نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید
العلم علمان علم الابدان و علم الادیان و بحکم این کلام
معجز نظام تقدم علم ابدان درجهٔ ثبوت دارد چه ارتباط
ایمان عمل با ارکان است که تا تن توانا و بدن توانا بر وی
نباشد بسیاری از اعمال چون حج و جهاد و صوم و صلوة
و غیره و غیره صورت نمی بندد هکذا علم ابدان مقدمه
بل انموذج و خلاصهٔ علم معارف روحانیه الهیه است
بتکمیل علم طب توحید کمال نپذیرد چه که هیکل بنی
انسانی مجموعهٔ عالم کبیر و این نسخهٔ مختصر بکنهه و کینونت ذات
نشأة تکوین کتاب مبین اکبر است و مقال حکمت اشتمال مولی الموالی

# دیباچه

علیه سلام الله الملک العلی بر اینمطلب حجتی متین است

أتزعم انك جرم صغیر    وفیك انطوی العالم الاکبر

وانت الکتاب المبین الذی    باحرفه تظهر المضمر

وکشف بدایع مکنونه در وجود بشر و ودایع مکنونه در سرشت بشر
با کثرت گوهرها احدی چون سلسله جلیله حکماء و طبقه علیه
اطبا عالم زندگانی و تمدن را مرهون انکشافات و مدیون
اختراعات فوق العاده خود فرموده اند موفق نگردیده و الحق
در زمان حالیه علماء این فن عالی و حکماء اینمقام سامی را
در طی اینمراتب علیا و سلوک این مقامات مکاشفاتی دست داده
که زبان بیان و بنان بنان از شرح و حصر آن عاجز و قاصر است
من جمله اینکه از پیشها و یکی از هزارها اختراع الات و ادوات
ذره بینی است که بواسطه آنها کشف و معلوم کرده اند که یك
قطره بیمن دارای ده کرور کرات صغیره و هزاران موجود
و مخلوق و جانوران ذره بینی است که دائما در آن بحر پهناور

# شاه قاجار
# السلطان مظفر الدین

دو سپاس و ثنا و بند سبحان الله جل جلاله این
جانوران بعضی سم نقیع و دشمن جانگداز و خصم خونریز
عمر عزیزاند و برخی دیگر تریاق و فاد زهر لذیذ و حافظ
مملکت روح و بدن و دافع تطاول و چپاول ان غارت
گران جان و تنند مثلا مرض مهلک بقری که ماده طبیعیش
از تولید بعضی جانوران ذره بینی است و سالهای دراز
مزارع جانهای عزیز را حصاد و غربال اندر ریاض جنان متبدل
بود علمای حکمت طبیعی که مجالی و مظاهر علم و قدرت پروردگارند
دکارند بتدبیر علمی علاجش را در تلقیح دم الفرس یافته اند
این بیماری دیگر محل که انتهائی کرد و حدت
بوطن اساسی ندارد محض احتیاط حفظ بنوع کرده باشد
در زمان سلطنت شاهنشاه جم جاه ابو امید که حکم او
تاج و نگین و خسرو باداد و دین ظل الله فی الارضین
کند دوام سلطنتش بعهد ابد مقرون باد و پایه رفعتش

# دیباچه

از کردن رساله مختصری در این باب از فرانسه بفارسی ترجمه نمودم و بطبع رسانیدم که فایده اش عام و دعای خیر یافتگان از این مرض مهلک عاید روزگار فرخنده آثار اعلی حضرت قدر قدرت اقدس ظل اللهی باشد بالاثر لنفهو فی علیه التکلان

در زمان حالیه در ممالک اروپ و امریک در استعلاج امراض طرق مختلفه جدیده متداول و معمول است که عمده آنها را بطرز اختصار در این رساله بعون الله تعالی مینگارد

اول زرق عصارات اجزاء حیوانیه و محلولاتیکه قایم مقام آنها است

دویم زرق خون حیوانات در بدن انسان

سیوم زرق سرم (آبخون) خون حیوان است

چهارم زرق سرم مصنوعی است

پنجم زرق سرم خون حیوان مصون کرده شده است که موسوم است بسرم ضد تکزین یا قرابادینی و علاجی

فصل

# فصل اول

## زرق عصارات اجزاء حیوانی و فوائدی که بدلایل مثبت است در بدن انسان

براون سکارکه در ۱۳۰۶ فصل مجلس علمی بحث الحیوة دراثناء
حاصله از زرق تحت الجلدی مایعی که از بیضهٔ خوکچه گرفته بود
فرستاد و ذکر نموده بود که از زرق مایع مذکور در اشخاص پیر
قوهٔ تازهٔ جسمانی و نفسانی پیدا میشود و بعبارهٔ اخری بحالت جوانان
رجوع مینمایند و ادعای این حکیم دانشمند معروف اسباب
حیرت خواص و عوام گردید

و طریقهٔ این حکیم منشأ امتحانات عدیده گردید و در اروپ
و امریک اطباء در مقام زرق مایعات کثیره در علاج امراض مختلفه
برآمدند و بیرون از استعمال مایعی که از جنسیات بعضی حیوانات مختلفه
حاصل میشد در مقام استعمال مایعاتی که از کبد و فوق کلیه و غدهٔ
درقیه و جرم مخیخ و لوذالمعده برآمدند و از اموسیونهٔ ال ...

# فصل اوّل

رطوبت عصبی نمودند و ذکر فسطلین نام رطوبتی را که
از مادهٔ خاکستری دماغ گوسفند تازه ذبح شده اخذ
ضبط نموده زرق میکرده
پس از اعتیادات بیشتر از این مادهٔ تازه معتقد شدند باینکه
غدد مختلفهٔ بدن غیر از رطوبات ترشحیهٔ مخصوصهٔ بیرونی
که معروف نزد اطبا است مواد جوهریات مکنونه و غیر معلومه
دارند که لازمهٔ زندگی اعمال بدنیست و در هرجا که این جوهر
مفقود یا ناقص گردد میتوان بعوض آن رطوبتی را که از همان
عضو از حیوان سالمی اخذ شود در بدن زرق نمود و مشابه
بتجارب اطبا از اینجا شد که در جنون و مالیخولیا و آنکه
لکوموتریس (بی اختیاری در حرکت) و فلج و رعشه رطوبات
سکام مختلفه را زرق نمودند و همچنین در نوراستنی و
سرسام زرق رطوبت عصبی و شبکیه دم (تهییج غشاء مخاط)
زرق رطوبت غدهٔ درقی و در مرض بریجی زرق رطوبت

کبسه

# زرق عصارۀ حیوانی

کبسهٔ فوق کلیه و زرق رطوبت مادهٔ قشر کلیه در ضد ۹
امراض اودیمی و زرق رطوبت لوز المعدة در ورد ولاب
طرز ساختن این عصارات حیوانیه عموماً باینطور است که
عضو را با آب مقطر صلایه نموده و رطوبت حاصله را
حفظ
با کاغذ صافی زلال مینمایند بسیاری از اطبا برای
این رطوبات هر یک دوای ضد عفونی مخصوص استعمال
مینمایند ولی جمع کثیری هم صرف نظر از استعمال آنها
نموده اند و بواسطه علاج یا اصلاح حاصله از این رطوبات
بسیاری از علمای شیمی و فیزیولوژی صنعت و اوقات
خود را منحصر بساختن این رطوبات حیوانیه نموده اند
که اطبا و دواسازان آنها را از این اشخاص مخصوص میخرند
ولی باید در اینباب دقت نمود چونکه بعضی بجای این رطوبات
آب مقطر خالص میفروشند و بعضی دیگر هم دقت در رعایت
سلامتی حیوانیکه عصیر عضو او را میگیرند نمینمایند یا مسامحه

# فصل اول

در استعمال ادویهٔ ضد عفونیه میکنند که باید اینعمل
در تحت قاعده صحیحه و با ضمانت فروشنده باشد زیرا که
بسیار دیده شده است که پس از زدن دوا عوارض و علامات
سرایت امراض عفونیهٔ خطره در مریض بروز نموده است
مانند شمشه و حمره و توبرکول که از حیوانات بانسان
مزروق رسیده است
لهذا در ۱۳۱۳ در هر ممالک از جانب دولت اداره مخصوصه
در باب رسیدگی و امتحان این عصارات حیوانیه برقرار شد و اشخاص
سازنده و فروشنده نمیتوانند رطوبات مذکوره را
بفروشند مگر با شرایطی که من بعد ذکر خواهد شد
و در اینمقام گفتگوی از طرز ساختن و زدن این مایعات
البته و همچنین نتایج حاصله از زدن آنها را ذکر مینمایم
چون رسائل کثیره در اینباب نگاشته و بطبع رسیده است
و ذکر آنها نیز خارج از وضع این رساله مختصر است بعضی هم

# زرق عیارهٔ حیوانی

بجای رطوبات حیوانیه محلولات و مایعات ذیل را استعمال نموده اند

اول سیرم عظیم خون دوم کلرهیدرات دو اسپیر سیوم فسفات دو سود چهارم سرمهای مصنوعیه که از روی دستور العملهای مختلفه ساخته میشود بخصوص دستور العمل شرن که از قرار ذیل است

| | |
|---|---|
| سولفات دو سود که بکلی عاری از شیمیائیه خالص باشد | ۸ گرم |
| فسفات دو سود | ۱ گرم |
| کلرور دو سودیوم | ۲ گرم |
| اسید فنیک برّاق | ۱ گرم |
| آب خالص مقطر | ۱۰۰ گرم |

پنجم محلول گلیسرین بطور ذیل

| | |
|---|---|
| گلیسرین نتر | ۱۰ گرم |
| آب جوشیده | ۳۰ گرم |

# فصل دوم

٦٣ ششم وبتالین که در روسیه زیاد معمولست
وعبارتست از محلولی از براکس در گلیسرین و نسخه آن از
قرار ذیلست

| | |
|---|---|
| براکس | ۳۸ گرام |
| گلیسرین خالص ۱۲۶ | ۴۲ گرم |
| آب مقطر | ۴۰ گرم |

## فصل دویم

## دزدیدن خون حیوانات



مقصود از داخل کردن خون حیوانات قوت گرفتن شخص ناتوان و شفا دادن مرضا است که بجای خون فاسد شده خون خالص و بی عیب در بدن داخل شود

اول — ادخال خون در بدن در ورید

دویم — ادخال خون در بدن صفاق

سیوم — ادخال خون در زیر جلد

فقره اول — ادخال خون در اورده

دینی — در ۱۶۶۷ میلادی بواسطه فصد قریب بیست مثقال خون از ورید شخص تب داری بیرون نمود

# فصل دویم

۱۴

ودر همان وریدقریب پنجاه مثقال خون بره داخل نمود ودید که میتوانید که خون بره خالص را در خون انسان داخل نمود ولی در ۱۶۷۵ از جانب دولت غدغن شد که احدی بعد از این عمل نشود واین عمل تا ابتدای مائه نوزدهم عیسوی بکلی متروک بود ولی در ۱۸۲۸ تا ۱۸۸۲ میلادی اطبا باطوار مختلف در مقام امتحان واجرای این عمل برآمدند وابن مطلب صورت علمیه پیدا نمود وحاصل تجارب ایشان این شد که داخل کردن خون منوعست مگر در صورتیکه جوانیکه خون از او خارج میشود وجوانیکه خون به بدن آن داخل میشود از یک نوع باشند وباین شرط خون داخل شده ممکن است مدتی در بدن بیضرر بماند

پس از برای داخل کردن خون در بدن انسان باید شخص سالم دیگر آماده وحاضر باشد وبا رضای خاطر بگذارد مقداری خون از آن بگیرند که در بدن مریض داخل نمایند

وجود این شرط بندرت حاصل میشود وانتقال خون
باین واسطه بسیار مشکلست لهذا مقصود اولی از این عمل
کرمی دادن بناتوان وشفا دادن مریض ومرض خون
هدر رفته وفاسد شده است بلکه نتیجه اش میشود یعنی
نجات دادن از مرگ زنانیکه بواسطه سقط یا پس از وضع
حمل یا علت دیکر خون بی اندازه از انها خارج میشود یا در
شخصی که بواسطه عمل جراحی یا سبب دیکر نزف الدم فراوانی
دران عارض شود در صورتیکه مقداری از خون که برابر با نوزدهم
وزن تمام بدن حیوان باشد خارج شود حکما مهلک است
در اینصورت لازمست که خون انسان دیکر را داخل در
بدن مریض نمایند که حیات او را نجات دهند چون بعضی
خون خارج شده خون شخص زنده از همان نوع داخل
نموده اند ولی در صورتیکه فرض نمائیم که شخص خویش نیز
هم حاضر باشد که این مقدار زیاد خون را از او بکیرند

# فصل دویم

۱۴
بازهم اشکالات زیاد دیگر در میان است برای اجرای
اینعمل واجب که یکدفعه تاخیر دادن باسباب خطر است
یعنی باید اسباب انتقال خون حاضر باشد و همچنین محلول
گرمی از نمک که مانع انجماد خون گردد والا فایده که
نمینماید سهلست مهلکست

باوجود اینهمه اشکالات ادخال خون در مواقع کثیره
اسباب نجات مریض گردیده است و بندرت باعث هلاکت
عطا کننده خون نشده است

اغلب اوقات عمل ناقص میماند بواسطه انجماد خون در اسباب
انتقال خون وگاهی هم بواسطه داخلشدن لخته خون
منجمد شده در ورید مریض باعث هلاکت آن گردیده است
و بواسطه این مخاطرات اطبا بخیال استعمال خون بدون
فیبرین افتادند یعنی بعوض داخلنمودن خون آب خون را
داخلنمودند و در مبحث معالجه باسرم اینمطلب را بیان مینمائیم

فقرهٔ دوم — ادخال خون در صفاق

چون ایصال خون در رگ دید دشوار است بواسطهٔ نازکی
و عسرت پیدا کردن آن در بین پنج شش زیاد مخصوص در
زنان اطبا بخیال این افتادند که خون را از راه دیگر داخل
در بدن نمایند لهذا پونفیك در ۲۱۷ اد در مقام
داخل نمودن خون در صفاق برآمد

فقرهٔ سیم — ادخال خون در تحت جلد

کالیت در ۲۹۵ اد در مقام داخل نمودن خون در نسج
زنبوری تحت جلد برآمد و چون جذب خون بواسطهٔ
داخل نمودن آن در صفاق بتأنی حاصل میشود و هم چنین
در زیر جلد که دو تا پنج روز لازم است لهذا برای داخل کردن
مقدار خون لازمه باین واسطه ادخال خون تحت جلد هم
بکلی متروك گردید ولی بعضی بخیال معالجهٔ نو بزرگول از
داخل کردن خون بز در زیر جلد افتادند و مقصود آنها

## فصل سیزدهم

از این عمل داخل کردن خون حیوانی است که از مرض سِل مصنون است در آبدان مسلولین که با این واسطه حیوانات ذره بینی سِل را برطرف نمایند و در هر دفعه ۵ الی ۲ گرام خون حیوان را زرق مینمودند

## فصل چهاردهم

### تمهید زرق سیرم (آب خون)

علاج سیرمی عبارت است از زرق و ادخال زیر جلد خواه سیرم (آب خون) حیوانات غیر اسیرم مصنوعی و خواه سیرم ضد سمی و خواه سیرم علاجی که مقصود از ان شفا دادن بعض امراض است

و این طریقه را که در این سنوات اخیره اهمیت زیادی پیدا نموده میتوان به سه مقاله عمده تقسیم نمود

مقاله اولی — علاج سیرمی که عبارت از زرق سیرم حیوانات است

مقاله دویم علاج سیرمیکه عبارت از زرق سیرم مصنوعی است

# زرق سیروم

مقدمهٔ مترجم — علاج سرمیکه عبارت از زرق سیروم ضد سموم یا علاج جدیست

## مقالهٔ اولی

علاج سرمیکه زرق سیروم حیوانات است

قبل از گفتگوی از زرق سیروم حیوانات باید دانست که این نوع علاج سرمی صورت مخصوصه از علاج با زرق خون است علاوه در زرق خونی خون طبیعی بعد از تجربه را زرق مینمودند و حال اینکه در علاج سرمی همان آبخون فقط را زرق مینمایند و بطور اختصار بیان مینمائیم که سرم (آبخون) عبارت از اینست که اگر خون را بحالت خود واگذارند تغییر حالت نمود و تدریجاً نرم مایعی میشود و رفته رفته تماماً منفصل شده بدو جزء جدا گانه میشود یکی رطوبت رقیق زرد رنگی است که از آن سروم خون نامند و غیر از فیبرین و گلبولهای خون دارای تمام مواد و املاح ترکیب کننده خونست و دیگری جسم غلیظ قرمز رنگی است که از آن لخته خون نامند و مرکب است از فیبرین

# فصل سوم

۳۰ خون که منجمد کردیده و کلبولهای خون زاده دبرداود
پس سرم خون که مرکبست از تمام مواد و اجزاء خون غیر از فبرین
و کلبول مایعی است لزج و کهربائی رنگ در اسب و در مرغان
در کاو و زرد رنك است در انسان و عموماً از لالست و کاهی
هم کدر و یا سبزی رنگست در حیوانات فربه و با شحم و
سرم دارای اجزاء ذیلست
(۱) آب ۹۰ تا ۹۲ در ۱۰۰
(۲) مواد شبیه بیاض البیض مخصوص سرم که ماده نیست شبیه
بسفیده تخم
(۳) مواد پرتئیك عدیده ایست (نیارا کلو بولین و
کازئین و فیبرین محلول و پپتین)
(۴) مواد مدفوعه (دسومت و کلوکز و الکل و اوره و
کراتین و اکزانتین و سارسین و خلیسترین وغیره)
(۵) املاح معدنی (کلرور دو سود یوم و کلرور دو پطاسیوم

## زرق سوم

و بی کربنات دو سودیوم و فسفات پیری تاربك دو سودیم
و کالسیوم و مانیزیوم

زرق سرم خون که در ۱۲۹۵ امر یس نام از امتحان
نمود در ۱۳۰۲ اولاً شارل ریشت و بعد جمع دیگر
از استعمال نمودند و عقیده این اشخاص این بود که ممکن
و بر بمرض توبرکول مبتلا نشوند واگر سرم خون حیوانات
را که ضد باسیل است گرفته و زرق نمایند در زیر جلد
اشخاصیکه مبتلا بمرض توبرکولند حیوانات ذره بینی توبرکول را
خراب نموده و شخص از این مرض نجات میابد و در این باب
بعضی ملاحظات عمومی است که نباید آنها را فراموش نمود
مثلاً میگویند که این حیوان مصون است از فلان مرض در صورتیکه
مزاج این حیوان بطوری باشد که مبتلای بان مرض نشود یعنی
اینحیوانات در مقابل این مرض بالطبع محفوظ و مصون میباشند
و اینحیوانات که بالطبع از فلان و فلان مرض مصونند در سرم

# فصل سیوم

خون آنها ماده ایست بر ضد باکتریها و با آنها برابری مینماید
بلکه مواد عفونی حاصله از این میکربهای مرضی را خراب و بی
اثر مینماید

بنابر عقیده اکثر معمول الطبای حالیه است در باب معاف و
مصونیت دادن حیوانات میتوان پیش گیری نمود یا شفا داد
امراض عفونیه را بواسطه سرم حیوانات که مصون از مرض
معینی هستند و چنانچه ذکر خواهد شد بواسطه سرم حیوانات
که بطور مصنوعی از فلان و فلان مرض معاف کرده اند
بهرنگ در ۱۳۰۶ و آگاتا در ۱۳۰۸ اقدام در
معالجه شاربن (جمره) نمودند بواسطه زرق
نمودن در حیوانات (خرگوش و موش و کبای) سیرم
خون خرگوش سفید و وزغ و سگ را که بالطبع مصون
از این مرض هستند ولی بزودی ملتفت شدند که وجود ماده

یا آنکه در سرم حیوانانیکه بالطبع مصونند عوامل کشنده
است نمیتوانند سمیت پیدا نمایند و خیلی بشدت این اثر را
دارد بعضی از آنها بزودی ملتفت شدند که سرم حیوانانی که
(موش و موش سفید و سگ) با مرض دیفتری ضدیت
طبیعی دارند نمیتوانند مانع دچار این مرض شود ولی هرگاه
خون این حیوانات را مصنوعاً مصون نمایند بطور یقین
در شفای مرض دیفتری نتیجه صحیحه میبخشد
و از ملاحظه این ملاحظات چندی مبالغه نمودند ولی معالجه امراض
بواسطه زرق سرم حیوانیکه بالطبع مصون است از این امراض
متروک گردید و امروز برای علاج این امراض فقط سرم
حیوانانیکه مصنوعاً از امصون از این امراض نموده اند استعمال
مینمایند و در مبحث گفتگوی از قسم سوم علاج با سرم
رجوع باینمطلب مینمائیم یعنی زرق سرم ضد سمی یا علاجی

## مقاله دویم

# فصل سیوم

در علاج با سرم که عبارتست از زرق سرم مصنوعی

قسم اول ادخال سرمهای مصنوعی در اورده است

- اینعمل مخصوصاً در وبا استعمال میشد

قسم دویم ادخال سرمهای مصنوعی در صفاق است که

بندرت معمولست

قسم سیوم - ادخال سرمهای مصنوعی در زیر جلد است

دفعهٔ اول - کانتانی - در علاج وبا از ابکار

برد و بعضی از اد در رفع نزف الدم وجمعی دیگر در امراض عفونی

بحال سستی و سوء خون استعمال نمودند و بعضی از اد در

ضد سم بکار بردند

از تجارب بعضی بیولوژی معلوم گردیده است که هرگاه خون

حیوانیرا داخل در عروق و رگ دم حیوانیکه از نوع دیگر

باشد نمایند خون داخلشده شبیه بخون حیوان مزروق

نمیشود و کلبولهای خونیکه داخل نموده اند بزودی خراب میشود

سهلست مقداری از گلبول خون حیوان تزریق بواسطهٔ
مخلوط شدن آن با خون مختلف الطبیعه نیز خراب میگردد
اما این ادخال خون بیفایده نیست زیرا که در ابتدا تحریکی در
عموم بدن مینماید مریض احساس بهبودی و قدرت و افزایش
قوه شرایین مینماید در آخر عدد گلبول خون شخص مزروق
زیاد میگردد

چونکه خون حیوانات مطابق و مشابه خون انسان نمیشود
بهتر اینستکه در صورتیکه مقصود از ادخال خون معالجه امراض
باشد سرم مصنوعی را که قریب باب خون حیوانات است زرق
نمایند و باینطور سرم مصنوعی قایم مقام سرم طبیعی میگردد
سرمهای مصنوعی مایعاتی است که بتفاوت قریب بجزء مایع
خون حیوانات است و ترکیبات بقسمی است که پس از دخول در
دوران دم گلبول خون را خراب نمیکند و اثر آن در اجزاء جامده
خون مانند اثر خود خون است

# فصل سیوم

۳۶

وابرای سرم مصنوعی ترکیبات مختلفه اختراع نموده‌اند که
هریک از آنها مناسب است با موضعی که سرم را داخل در آن
مینمایند
ادخال سرم مصنوعی نیز مانند ادخال خون از راه اورده
وازصفاق واز زیر جلد معمولست

## قسم اول

انتقال وادخال سرم مصنوعی درا ورده است
استعمال از جمع کثیری از اطبا در معالجه و با استعمال
نموده‌اند وهایم در ۲ ۳۰ ایکسم سرم مصنوعی
در علاج وبا استعمال نمود که ترکیب آن از اینقرار است
کلرور دسود یوم سولفات دسود آب مقطر
۱۰ گرام ۵ گرام ۱۰۰۰ گرام
مقصود این طبیب از ادخال این سرم این بود که چون
در مرض وبا بواسطه خروج آب خون بدن با اسهال وقی خون
غلیظ گردیده بدرجه که خون از حرکت وگردش باز میماند

و از زدن با سرم مصنوعی خون غلیظ رقیق کرده بود
دوباره گردش مینماید ولی اینعمل کمتر معمول است چونکه
اسباب زدن و سایر لوازمات آن در برای همه کس و در همه
وقت و همه جا میسر نیست و تحمل انهم بسیار مشکلست و نیز
زیاد لازم دارد

## قسم دوم

ادخال سرم مصنوعی در تجویف صفاق است
چونکه ادخال سرم مصنوعی را در ورید برای اشخاص صغیر و
ناپیدائی انها مشکل بعضی اقدام بادخال ان در صفاق
نمودند ولی اینعمل بندرت معمول است

## قسم سیوم

ادخال سرم مصنوعی در تحت جلد است
کانتانی که از اهل ناپل است اول کسی است که در ۱۲۸۳
سرم مصنوعی را در معالجه مرض وبا داخل در زیر جلد

# فصل سوم

نمود باینطور که چند بن بنز (هزار گرمست) از محلول
کلرور دسدیوم ۴ در هزار و کربنات دوسود ۳ در
هزار در نسج زنبوری تحت جلد زرق مینمود و اینطریقه
که هم سهل و هم بیخطر است نتایج نیکو بخشید
بسیاری از اطبا زرق تحت جلدی سرم مصنوعی را بعوض
انتقال خون استعمال نموده اند در نزف الدمهای شدید
و در زیر جلد این محلول را زرق مینمودند کلرور دسدیوم ۶ گرام
آب مقطر ۱۰۰۰ گرام
و این محلول نمکی مانند داخل نمودن خون مقدار خون را بقدر
منظور زیاد و منظومه عصبی مرکزیه را تحریک مینماید
و عمل قلب را احیا و گردش خون را سهل و علامات غشی را رفع
مینشود و بعضی برای شستشوی خون در امراض عفونی
و در مسمومیت و حمای مطبقه و اورمی که پیدا شدن
اوره در خون است مقدار زیادی از محلول کلرور دسدیوم را

# زرق سرم



در زیر جلد زرق مینمودند
و مقدار داخل کردن سرم مصنوعی در تحت جلد کافی تا
٣ و ٤ لیتر بود و بجای سرم محلول کلرور دو سودیوم را
شش در هزار انتخاب نمودند
شیرن میگوید که زرق تحت جلدی سرم با این مقدار مفرط
لازم نیست بلکه در صورتیکه سرم را غلیظ نمایند بمقدار
کمتری از او زرق نمایند همان خواص طبیعی و دوائی را که
منظور است دارد و این مطلب را بواسطه تجربه و امتحان ثابت
نموده است و سرم مصنوعی شیرن جامعتر است یعنی دارای
املاح معدنیه ایست که در سرم خون محلول و موجودند
و بعلاوه در این سرم غلیظ شده مقدار املاح معدنیه
بیشتر از آنست که در سرم خون انسانیست
و نسخهٔ سرم مصنوعی شیرن مرکب است از اجزاء ذیل

| | | |
|---|---|---|
| کلرور دو سودیوم | سولفات دو سود | فسفات دو سود |
| ٢ گرام | ٨ گرام | ٤ گرام |

# فصل سیوم

اسید فنیک ترقی ۱۱ ای معطر

ودراینمقام صرف نظر مینمائیم از ذکر طرز ساختن و حفظ (گرام / ۰۰ گرام)
این سرم و همچنین از درجهٔ حرارت این سرم در وقت زرق
نمودن و مقادیر متفاوته زرق آن (مقدار کم آن
۵ تا ۱۰ گرام و متوسط ۱۵ تا ۳۰ گرام و مقدار زیاد آن
۶۰ یا ۱۲۰ گرام است) و موضعی از بدن را که باید برای زرق
این سرم انتخاب نمود و اسبابی که از برای این عمل لازم است
و در طرق و اطوار مختلفه که معمول هر یک از اطباست و همچنین
گفتگو نمینمائیم از آثاری که در موضع یا در مزاج بواسطهٔ زرق این
سرم حاصل میشود بلکه همین قدر میگوئیم که شرایط قرابادینی
این زرق و ادخال سرم متعدد و مختلف و میتوان از با رجحان
تمام زرق نمود در کم قوتی و استرخای شریان و در قلت خون
و در ضعف منظومه عصبی و در بطوء تغذیه (و از برای معرفت
تمام این مسائل باید برسائل عدیده مخصوصه که بطبع رسیده

بعضی نموده چنانکه ذکر آن خواهد آمد بتفصیل خارج از وضع این رسالهٔ مختصر است

## مقالهٔ سوم

علاج سرمی که بنا انسان از ذرات سرمهای بدن حیوان مبتلی بعض
قرابادینی و دواهای دیگر نکوئی از قسم اول از علاج سرمی که
عبارت از ذرات سرمهای حیوانیست ذکر نموده‌ایم که بنا
بر مسئله که امروز در بابش محفوظ و معروف شده مقبول اطبا
گردیده است میتوان امراض عفونیه را پیش گیری و معالجه
نمود بواسطهٔ سرم حیوانانیکه از این امراض مسریه معاف شده
و یا اینکه اولی بواسطهٔ سرم حیوانانیکه انها را مصنوعاً متاثر
و مبتلی از این امراض نموده اند

و سرمهای حیوانانیکه مصنوعاً و بواسطهٔ تلقیح از
شدن بااین امراض عفونی و مسریه نجات داده اند موسوم
به سرم ضد سمی و این سرم هم جلوگیری از مرض مینمایند هم

# فصل سیوم

دافع و علاج و دوای مرض است یعنی هم نمیگذارد که شخص
مبتلای بمرض شود و در صورت ابتلا هم شخص را نجات از مرگ
میدهد

و این سرمهای ضد سموی را که عموماً سرم قرابادینی مینامند
بلحاظ علمی و عملی اهمیت زیاد پیدا نموده اند ولی قبل از بیان
اینها بهتر است که اسامی و اصطلاحاتیکه ابتداً در کتب طبی
و دواسازی باینها داده شده است ذکر نمائیم مانند
ویروس و تکزین و تکزین تغییر یافته و سرم قرا
بادینی و سایر محصولات مشابه که میتوانند در جلوگیری
و در علاج امراض مسریه استعمال شوند

امراض مسریه یا عفونی عبارتند از امراضیکه بواسطه
دخول عامل تولید کننده مرض در بدن مانند یکی از سمومات
انرا فاسد متعفن مینماید

این عامل مولد المرض را که ویروس و سرایت دهنده مرض
نامند

نامند سابق براین نامعلوم بود ولی امروزه پس از انکشافات
پاستر مبرهن داشتند که اینعامل موجودیست زنده و میکرب
مولد المرض است که نه فقط خود آن مضر است بلکه بواسطه
موادیکه ترشح مینماید مضر است و اینمواد مترشحه سم
قاتلیست که از آنها تکسین نامند و این تکسینها
نیز انهارا سمومات میکروبی نامند داخل در مقدار
زیادی از ترکیب دیروسها است و بسببها منعقد میشوند بخوبی
معین شده اند نه فقط از حیثیت منشاء و از حیثیت ترکیبشان
بلکه از حیثیت عمل آنها در حیوانات و در انسان چنانچه
تکسین توبرکولرا میشناسند (توبرکولین کوخ) وتکسین شمشه اسب (مالئین نکاری)
وتکسین کزاز و تکسین دیفتری
والبته روابط مابین سمومات میکروبی و بدن حیوانرا
مخصوصاً بلحاظ معاف بودن تحقیق نموده اند جمع کثیری

# نوع اول

در تجارب و امتحانات و تحقیقاتیکه در این باب نموده اند رسایل
و تصانیف کثیره بطبع رسانیده اند که ذکر آنها باعث اطناب
و خارج از وضع این وجیزه است ولی امتحاناتیکه در باب
مرض دیفتری نموده اند بطور اختصار ذکر مینمائیم چونکه
میتوان از آن علاج نمودن اقلاً مقدار زیادی از اطفال
مبتلای باین مرض مهلک را نجات داد

## نوع اول

## سیر مرضیت دیفتری

دیفتری از امراض عفونیه ایست که هر کس مبتلا باز
امراض لخطیره است و شناخته میشود بواسطه بروز
غشاء کاذبی که عوام او را پرده و پوست سفید میگویند و در
صورتیکه این غشاء در بیخ گلو باشد آنرا درد گلوی
با پرده میگویند و در صورتیکه این پرده سفید در حنجره
مجرای نفس بروز نماید آنرا خناق میگویند

## مرض خناق دفتری



مدت مدیدی عقیده اطبا این بود که دفتری مرضی است
موضعی و برای علاج آن همه قسم تدابیر وادویه موضعی
استعمال نمودند مانند شستن و مالیدن داراشکنه
و بعضی محلول اسید فنیک وغیره وغیره
و گاهی هم که مریض شفا یافته از آثار دوا میدانستند
و حال اینکه هیچگونه تدابیر وادویه در رفع این مرض مفید
نبود
در ۱۳۰۱ کلیب نام و در ۱۳۰۱ لفلر نام فهمیدند
که علت مرض دفتری میکروبیست که باعث تولید غشاء
کاذبست و این میکروب را باسیل دفتری نامیدند یا باسیل
کلیب لفلر باسم این دو نفر حکیم که از اکتشاف نمودند
و این میکروبها در وقتیکه نمو و توالد مینمایند ماده سمیه
که موسوم به تکزین است ترشح مینمایند که زهر شیمیائی
حقیقی است و تمام بدن و مزاج را فاسد میکند و شخص را

# نوع اول



هلاک مینماید
و روو و اپرسن میکروبهای دیفتری را در آبگوشت مخصوص
کاشته و مقدار فراوانی از این کشت و زرع را بتب داده و
پس از مدتی از صافی شامبرلان عبور داده و صاف نموده و
مایع سمی را که در تنه در حیوانات (خرگوش سگ و سمور)
زرق نمودند و در این حیوانات دیفتری واقعی را حاصل نمودند
یعنی در این حیوانات تمام علامات حاصله از باسیل دیفتری
زنده بروز نمود پس بخوبی معلوم شد که علت مرض این سم
و این تکثیر است که در همه جا بواسطه میکروب دیفتری
ساخته شده است
و کلیة چون هر زهری تریاقی و هر سمی ضد سمی دارد لهذا
در اینوقت در مقام این مطلب برآمدند که تریاقی از برای سم
دیفتری پیدا نمایند و فرانکل و بهرینک و روو
و اپرسن ملتفت شدند که بسهولت میتوان تلقیح نمود

37 یعنی حیوانات را از بدبقری معاف نمود در صورتیکه هر روز
مقداری کمی از محصول زرع باسیل کلب لقلوژ در آنها
زرق نمایند و بدین نحو بتوان بتدریج عادت با این سم میداد
مانند اشخاصیکه بتدریج استعمال تریاک و الکل و توتون
را عادت نموده میرسانند که در شخص غیر عادی مهلک است بیش از آن
زرق بوده حیوانات را تلقیح نمود با سطور کم مخلوطی
از تکوین و بعد بمقدار منتشره آنها زرق مینمود و
آنها را در چند هفته عادت با این سم میداد و حیواناتیکه
با سطور تلقیح شده بودند بکلی معاف از سم بدبقری
میگردیدند و تصور میشد که آنها از بدبقری [illegible]
ولی واضح است که چند هفته لازم است برای اینکه حالت
مصونیت در ایشان حاصل شود و در اشخاص مبتلای بدبقری
هرگز این مدت ممکن نیست و بواسطه بطوء اینطریقه
فایده و ثمری در مبتلایان بدبقری ندارد و در وقتیکه

# نوع اول

پس از اینطریقه کردیده و صرف نظر از آن نمودند
بهرینک و کیتازاتو اعلان نمودند که اگر
از دیفتری معاف نمایند و بعد از کافی سیرم از آن
حیوان دیگر نمایند نه اینکه از امیتوان معاف نمود
بلکه از امیتوان شفا داد پس سیرم حیوانانیکه باینطور معالج
شده اند خاصیت تریاقی تکزین دارد و هرگاه از او مخلوط
نمایند با سم دیفتری (با تکزین کاشته شده) خواه در
ظرف و خواه در انساج حیوان مانع اثر تکزین میشود
و از آنکه آلی بی اثر مینماید
و رینیتز و هیرنکوئر و دسنجاوری از اطبای دیگر
تجارب کثیره در حیوانات نمودند و حاصل تجارب ایشان
این شد که سرم تریاقی است که بسرعت تمام اثر میکند در
اشخاصیکه بواسطه باسیل دیفتری مسموم کردیده اند
و از برای دفع و رفع مرض دو یا سه مرتبه ذرق میش

صند

صدتکرین بمقدار کافی مجرب و بهرنک و کیتازاتو
در برلین در حیوانات که قبل از وقت بواسطهٔ تلقیح
معاف از مرض کردیده بودند و فایدهٔ عالیه بدست آوردند
و پس از اطمینان از امتحان در حیوانات شروع بامتحان در انسان
نمودند و مقدار تلفات اطفال از خناق را که در صدی
شصت نفر بود بر ۲۸ نفر تنزل دادند یعنی نصف اطفال
را از این بلای مهیب نجات دادند که با هر قسم معالجات دیگر
هلاک میشدند پس فعلاً علاج سرمی طریق بسیار خوب است

در معالجهٔ دیفتری

ولی این امتحانات اولیهٔ بهرنک که منکر اینطریقه است در
برلین بنظر اطبا جلوه نمود و عقیدهٔ اطبا مردد ماند
چون علاج و تدبیر و اینکه از هر صد نفری پنجاه نفر را
شفا و نجات دهد از جمله علاج مخصوص مرض شمرده
نمیشود

## نوع اول

و در [illegible] مجمع حفظ صحت بین الملل که در شهر بوداپست
(پایتخت هنگری) در دویم تا ششم ماه عقرب ۱۳۰۲ هجری
منعقد گردید مسیو دکتر روکس رفع تشویش عقاید علمای
فیزیولوژی و اطبا را نمود و علت قلت اثر کمی ثمر این طریقه
از علاج را مدلل نمود و ثابت کرد که بنا بر امتحاناتیکه در
پاریس در مریضخانهٔ اطفال المریض با بعضی از اطبای دیگر
در مدت سه ماه در ۴۴۸ مریض نموده است عدد
تلفات در هر صد نفر ۲۷ نفر بوده است یعنی قریب به
نتیجه که بهرنگ حاصل کرده است و روکس ثابت
کرده است که در دیفتری خالص و در خناق خالص یعنی
بدون ترکیب با امراض دیگر سرم قوت تمام دارد و تلفات
در هر صد نفری یک نفر بوده است پس این طریقه بطور
یقین و مطلق علاج مخصوص مرض است و در صورتیکه
مرض مرکب بوده است و بمیکروب دیفتری میکروبهای

دیگر

دیگر مخلوط و ملحق بوده است و سمی که ترشح نموده اند بواسطهٔ
صدمهٔ دیگری بکلی خراب و بی اثر نگردیده است و بسیاری
از اطفالی که مبتلای بخناق گردیده اند در همان وقت مبتلای
بمرض سرخجه یا مخملک یا توبرکول و یا ذات الریه و این اطفال
از دیفتری هلاک نگردیده اند بلکه از امراض دیگر است که
با آن همراه بوده اند پس باید بدون تردید گفت که در صورتی
که امراض دیگر باعث هلاکت مریض نشوند علاج سرمی
مجرب و بدون گفتگو است

برای حالیه این طریقه میتوان گفت بسیار بزرگ نمایند و طریقه
و کشف بنکوی ژوو و بهرینک اسباب بهت و هیجان
حکما و اطبا و حیرت خواص و عوام گردیده است •

مختصراً استعمال علاج با سرم مخصوصاً یک طریقه ایست که میتوان
بواسطهٔ زرق سرمیکه از اثر باقی نگردیده نموده باشند سم
دیفتیری را خراب و بی اثر نمایند

وحیوانی

و حیواناتیکه سرم ضد تکزین را از آنها میگیرند معاف و محفوظ از دیفتری میباشند یعنی عادی بتکزین دیفتری شده اند پس ناچاراً چند کلمه در ساختن این تکزین بیان مینمائیم

## صنف اول

### ساختن تکزین دیفتری و سرم ضد دیفتری

برای ساختن تکزین باید باسیل دیفتری را در آبگوشت پپتن داری داخل نمود و آنرا در ظرف کم عمق پهنی بریخته و آنرا دهان گشوده در هوای مرطوبی بگذارند و پس از سه هفته یا یکماه بمقداری تکزین در آن بعمل میاید که میتوان از آن استعمال نمود و در اینوقت باید این کشت و زرع باتمام رسیده را صاف نمود یعنی آبگوشت تکزین دار را از صافی شامبرلاند گذرانید بطوریکه بکلی از میکربها عاری و خالص شود و باینطور تکزین مایع و خالص و زلال بی میکرب بد

وازاد در ظرف مملو دهان بسته و محفوظ از روشنائی
و در حرارت متعارفی ضبط مینمایند
پس از انکه نکرین را یکمرتبه تحصیل نمودند باید حیوانات را
که سرم از انها اخذ میشود معاف نمایند ولی باید شروع نمود
باینکه نکرین را که فوت نمود بطوریکه علامات خطیره عارض
جوان نشود و بجهة این مطلب بعد ثلث حجم ان مایع دکتر
گرام را داخل و ممزوج با ان مینمایند که نسبه ان از این
قرار است

بد خالص اکرام   بد و زد بطلبی ۲ کرام   ابد ۳ کرم

و در اسب که حیوانی است که متاثر میشود باهیچ متاثر
نمیشود از دبفری مقدار کمی از ان نکرین بد دارز رق مینمایند
و بعد پنج روز بروز مقدار انرا زیاد مینمایند برای
مهیا نمودن اسبی که بتوان بلحاظ علاجی سرم مفید از ان
گرفته شود سه ماه زرق پی در پی لازمست خواه همه

## نوع اول



روزه وخوابیدن فاصله های کم و بجائی میرسد که در این
اسب میتوان در یکدفعه تا ۲۵۰ صد مطر مکعب تکزین
تزریق نمود

و تخمینا بعد از سه ماه وداج از اسب را فصد میکنند خون
اورا جمع نموده و در موضع خنکی میگذارند تا اجزاء جامده خون
جدا گردیده و این سرم را گرفته در فلاکنهای (شیشه های
بلوری مخصوص که با کلو باریکست) عقیم شده ضبط مینمایند
باید فلاکن ممتلی باشد که در آن قطعه کوچکی از کافور بگذارند
و هر اسب معافی شده را میتوان ماهی یکمرتبه فصد نمود
و میتوان چهار لیتر خون از او گرفت که تخمینا دو لیتر سرم
ضد تکزین بدست میاید

چنانچه ذکر شد تکزین را که باینطور داخل در بدن اسب
نمایند بواسطه سلولهای اسب تهیه و تدارک میشود
و اسب در داخل سلولهای خود سم را بدل مینماید بغا

قرابادینی یعنی ستم مبتدل میشود بزبانی و تکرین دیفتری
بضد تکرین دیفتری و زهر دیفتری بدن آدم بایدانرا از دست
دفع و علاج دیفتری استعمال نمود و اینکه مسبوق
گرنیل در مجلس دار الشورای فرانسه میگوید که این
عمل را اگر از جمله معجزات نتوان شمرد باید از از جمله عجایب
و از جمله اعمال بسیار نافعه دانست

## صنف دوم

## تشخیص دیفتری بلحاظ میکروب باکتریه شناسی

عمل اول — امتحان ذره بینی غشاء کاذب بکرانرا
دیفتری فرض نموده اند — معرفت احتیاطات لازمه
در تحصیل صور ذره بینی و رنگ نمودن و امتحان از وده
همه صور حاصله
عمل دوم — کاشتن اغشیه کاذبه با رشمات قرصیه
دیفتری در روی سیرم و امتحان ذره بینی محصولات کشت

وزدع

# نوع اوّل

نوع دوّم — استعمال دوّم عبارتست از چهار هنگام
هنگام اوّل — تهیهٔ لوله هائیکه برای کاشتن
باکتریها لازمست — محیط کشت نیز سرم خون گاو و یا
سرم شتر یا اسب دهند — طرز معمول در ساختن سرم
اوّلست طریقهٔ تکامبرو است (کامل و لیکن
معمول نیست که حاصل از سرم عقیم است) دوّم
طریقهٔ کوخ است ناقص ولی زیاد معمولست که سرم عقیم
نمیدهد و سرم حاصله را این طریقه تندال یا کرم
نمودن منعقد و به عقیم نمود) سوّم طریقهٔ
(عقیم نمودن سرم بواسطهٔ اضافه نمودن با شمع چینی که سرم
عقیم میکند) — احتیاطاتیکه در تحصیل سرم عقیم با
این سه طریقه لازمست — در سرشیشه نمودن سرم
بطوریکه بواسطهٔ هرکدام از طرق ثلثه مذکوره ساخته
شود

هنگام دوم — کاشتن تخم در لوله‌های سرم دار که
برای کاشتن باکتریها است واحتیاط باینکه در این کشت
و زرع لازمست

هنگام سوم — امتحان محصول کشت با چشم فقط

هنگام چهارم — امتحان محصولات کشت با ذره‌بین
و هیئت قطعات در زمره و صوت

راپورتی که باید داد واسانید امتحان باکتریها بیکدیگر ساختن
اظهار نماید قبل از استعمال سرم قراباد بون در معالجه دیفتری
قبل از همه چیز لازمست تشخیص او و شناختن باسیل دیفتری
(باسیل کلب لفلر) و مطمئن شدن در وجود و عدم
میکربهائیکه اغلب مخلوط وعلاوه بر این باسیلند مثل
استرپتوکک واستافیلوکک وکوکوس صغیر بریزن
را واز برای این تشخیص چند عمل لازم است که من بعد آنها
ذکر مینمایم

در نیویورک و در بسیاری از شهرهای آتازونی
دواسازان سرمهائیکه برای کاشتن است حاضر و آماده دارند
یعنی سرمهائیکه برای کاشتن میکربهای اغشیهٔ کاذبه با
ترشحاتیکه آنها را دیفتری فرض نموده‌اند در وقتیکه
طبیب گمان مینماید که شخصی مبتلای به دیفتری گردیده است
میفرستند از دواسازی دو لوله زراعت و یک مفتول
پلاتین (طلای سفید) که لازم است برای تخم گیری مجرد
و پس از آنکه تخم را در لوله‌ها کاشت فوراً آنها را نزد دوانی
میفرستند که تمام نایند آنها را فوراً باداره مرکزیهٔ صحیه
بفرستند که ۲۴ ساعت بعد از دریافت آنها در توی
لوله‌ها وجود و عدم میکرب مرض را ثابت نمایند و برای طبیب
معاونت میدهد
دو سال قبل وزارت ادارهٔ بلدیهٔ پاریس ده هزار تومان
مجاناً برای ایجاد محلیکه لازم است برای اجتماع اجزاء و اسباب

لازمه امتحانات محصولات دیفتری و در پاریس از اداره مستو
مسجل شد که در ستاسانی و اعمال حیوانات ذره بینی
امروز بی نظیر است و پس از آنکه این حکیم دانشمند مدت دو سال
تمام در امر این تحقیقات و وارسی با ادارات مطالب متعلقه
بحیوانات ذره بینی و غیره نموده در جنب هپیتال دو
مقامی برپا نمود از برای امتحان مطالبی که اطبا برای تعیین
امراض عفونی بالتمام میفرستادند و چون صحیح با نها معلوم شد
این خدمت جدید نه فقط برای تحقیق وجود و عدم تقلیل
نفلو بود که در بروز و بروز یان هیلا اند مفید
معلوم شد بلکه در مریضانیکه بی شفا یافته بودند این
بواسطه تلقیح ثابت میشود که آنها علی التحقیق شفا یافته
اند یا هنوز محل احتیاط و خطر هستند و در سایر جنسین
اینباب چه در فرانسه و چه در ممالک خارجه بطبع رسید
و مدلل نمودند که اغلب اوقات در مبتلایان به بعضی

## نوع اول

شم نوشتی مخرین مدت پانزده روز تا سه هفته باقی است
و گاهی تا سه سال لفلر باقی است ولی خطر آن زائل گردیده
لهذا امتحان باکتری‌شناسی را از حیثیت پیشگیری از بین
مع سرایت مهلک واجب دانستند که بواسطهٔ امتحانات لحیه
مطرحی جدید عده از تلفات از فی الواقع نسبتاً کم گردیده است
ولی سرایت آن بهمان مرکز راند بوده است هنوز باقیست
پس باید این نکته را در نظر داشت و آن را لازم دانست که
در اشخاص مبتلای به دیفتری پس از بهبودی باید فقط تمام
امتحانات باکتریولوژی نمود و اطمینان تمام حاصل نمود که
دیگر هیچوجه میکروب دیفتری در بدن آنها باقی نمانده است
والا اگرچه خود او نجات یافته است ولی مایهٔ سرایت همراه
با او است و باعث هلاکت دیگران میشود و باین واسطه
خوب است اشخاص و اطفال مبتلا شده و شفا یافته را از تحصیلات
ادارات دولتی و ملی و مدارس و مکاتب و کارخانه

جات و فرش و غیره از دخول ندهند مگر اجازه نامچه
یا تصدیق نامهٔ بریاکی خود از جانب ادارهٔ بلدیه که مخصوص
این کار است در دست داشته باشد و طرز رفتار انجمن
جدیده باین طور است که در وقتیکه طبیب دید یکی از مرضا
خود احتمال دیفتری دارد باید فوراً در ورقه کاغذی اسم
مریض و منزل او را بنویسد و بتوسط یکی از پستچیان مخصوص
یا شخص دیگر هر که باشد باداره که از برای امتحانات ذره بینی
استعمال پایشده است بفرستند و از اینجا جعبهٔ ...
که قبل از وقت تعیین کرده‌اند و در از اسباب لازم است
بزرگ و دو لوله با سر تعقیم شده و یک لوله تعقیم شده
و دهان بسته دیگر برای اینکه درون آنها خاکهای
کاذب را در آن بگذارند و نیز دو لوله دیگر که در آنها
گلوله پنبه در سر میل فلزی نصب است و آنها را ...
با مخاط مجرای مبتلا بکنند و علاوه در جعبه نیز ورقهٔ مفصلی

# نوع اول

در طهران فقط زود دستور العمل دیگر لازم است که باید طبیب را اطلاع اسم و محل خود و اسم و منزل و سن مریض خود را بنویسد

و اگر منظور از امتحان مریض در ایام نقاهت مرض باشد و ذکر سن مریض در این صورت گرفتن بلغم مریض و کاشتن آن باید با کمال دقت باشد و الا ممکن است نتیجه بر خلاف منظور باشد و در وقتیکه طبیب اجزاء محتوی در جعبه را فرستاده بود فوراً آنرا باداره باکتریولوژی معاودت دهید

مدت انجام در صورت متعارفی هیجده ساعت و در صورت زیاده بر آن ۲۴ ساعت است و نتیجه امتحانات بتوسط پست مجانی برای طبیب فرستاده میشود و بتوسط تلگراف بکفران اجرت است و در صورت ضرورت تلفن جواب داده میشود و در صورتیکه امتحان مخصوص تا فی باشد تلقیحات لازم باشد مدت سه الی چهار روز باداره مهلت داده میشود

در

در فرانسه و اغلب ممالک دیگر چون ضد عفونی سازان و ضمن
تحصیل دواسازی باکتری شناسی را نیز تحصیل مینمایند
و از طرز عمل و کم و کیف ابتکارات اطلاع کاملی دارند و همه قسم
اسباب لوازم از امصار را اعاده نموده اند پس از برای اعمال
غشاء کاذب دفتری طبیب میتواند بهر یک از دواسازان
شهر رجوع نماید و محتاج رجوع باداره حفظ الصحه نباشد و
در اینباب هرگاه بخواهند مشروحا مطالب ... رجوع
نمایند برسائل مخصوصه که در اینباب طبع رسیده
مخبر الطبیب بواسطه انواع اعمال و ترتیبات مخصوصه
که غشاء کاذب و ترشحات مخصوصی که امثال دفتری دارد
میرود دارای باسیل کلیب لفلر (باسیل دفتری)
باشد و علاوه بر آن باسیل مخصوص دفتری باسیلهای
دیگر هم با او همراه اند باشد مانند استرپتوکک
(میکروب بهم) و استافیلوکک (میکروب چرک) و

## نوع اول

دکوکوس مبرهن

وامتحان وتشخیص باکتریولوژی عبارتست از دو عمل عمده

اول امتحان اغشیهٔ کاذبه یا رطوباتیکه محل احتمال دیفتریاست بذره‌بین

دویم کاشتن اغشیهٔ کاذبه و رطوباتیکه مورد احتمال دیفتری است در روی سرم و امتحان محصول کشت و زرع بذره‌بین بواسطهٔ عمل اول یا دویم اولا لازمست که اغشیهٔ کاذبه یا رطوباتیکه احتمال دیفتری در آنها موجود و حاضر باشد و باید دانست که در دود کلوهای دیفتری اغشیهٔ کاذبه لوذتین را فرو میگیرد و حنجرهٔ دیفتری این اغشیهٔ کاذبه در اجزاء مختلفهٔ حنجره بهم میرسد و برای امتحان باکتریولوژی باید مخصوصا ترشحات نیم کلو را بگیرند و امتحان نمایند

پس از آنکه غشاء کاذبه جدا گردید بطبیب لازم آید فا

کرم بپیچید و حفظ کند که بخوبی محفوظ بماند و نباید هرگز
از ادر مانع حافظی هرچه باشد مانند ابهفطر و الکل
و کلیسرین و اسانس و غیره فرو برند چونکه این مانعات
مانع یا باعث عدم نمو زراعات باسیلهای دیفتری میشوند
و حال اینکه این زراعت در تشخیص باکتریولوژی از جمله
واجبات است

پس از جدا شدن اغشیه کاذبه و ضبط آن در بادبانه کرم باید
امتحان باکتریولوژی در آن نمود و این نیز اسنا کرد و اگر
نخواهد شخصاً این امتحان را نماید باید اغشیه کاذبه را که باید
امتحان شود با احتیاط به یک لازمه علی انتشار و سرایت
در بادبانه کرم بپیچید و در لوله امتحان که استریل و دهان آن را
با پنبه بسته روانه نماید و در اداره حفظ الصحه فرنگستان
ادارات بسیار این نوع خدمت را بطور ذیل مرتب نموده اند
(۱) باید فلاکنی که دارای اغشیه است زلو و دهان آن

## نوع اوّل

بخوبی بسته و مهر موم شده باشد

(۲) پس از آنکه باطراف آن نعلبکی کتابت پنبه پیچیده شد آنرا در جعبه فلزی محکمی بگذارند

(۳) خود این جعبه فلزی را نیز باید در جعبه چوبی مسدودی قرار داد

(۴) در روی جعبه باید بر پهلوی عکس اسم اداره امتحانات نوشته شود که این اغشیه کاذبه دیفتریست

(۵) این جعبه جز با ادارات بلدیه که از برای این عمل معین و معروفند بجای دیگر نباید فرستاده شود

اگر دواساز بخواهد شخصاً امتحان باکتریولوژی نماید باید خود وی پی در پی دو عمل سابق الذکر را مجری نماید بعلاوه اولاً عمل ذره بینی اغشیه کاذبه که احتمال دیفتری در آن میرود ثانیاً اغشیه کاذبه یا رطوبات بیکر که احتمال دیفتری در آن هست روی سرم کاشته و محصول کشت را با ذره بین امتحان نماید

## عمل اول — امتحان جزئیه بنی اغشیه کاذبه که محل الحمل دیفتری است

در اسباب باید بطرز ذیل رفتار نمود یعنی با فتیله کم زا باز نمود و با انبری که در شعله چراغ الکلی گرفته تا ذرات هوائی الوده بان فانی و معدوم گردد یکقطعه از این اغشیه کاذبه را برداشته و در روی صفحه زجاجی جلی و پاک قدری بکشیم از وقتی انرا با شعله چراغ الکلی عقیم نموده بما للند بگذارند خشک شود یعنی شیشه را چند دقیقه در روی شعله نگاهدارند

پس از این عمل باید اغشیه را رنگ نمود یعنی هر چند میکربها نیکه ممکن است در این غشاء موجود باشد رنگ نمایند و انرا میتوان با الوان مختلفه رنگین نمود ولی برای این عمل مخصوصا رنگ کبود مرو ایرسن رجحان دارد که باسیل دیفتری با ان زودتر و بهتر رنگ میشود

# نوع اول



ونك كبود رُوا پرسَن حاصل میشود از مخلوط نمودن دو

محلول ذیل باهم یك ثلث از محلول اول كه عبارتست از بنفش

داليا الكل ۹۰ درجه ۱ ب مقطر
۴ كرم ۱۰ كرم ۹۰ كرم

یك ثلث از محلول دوم كه عبارتست از سبز متیل الكل
۱ كرم

۹۰ درجه ۱ ب مقطر
۱۰ كرم ۹۰ كرم

و برای این تلوین بایددور روی غشائیكه در روی شیشه

نصب شده است چنانچه ذكر شد سه الی چهار قطره از محلول

فوق بچكانند و بگذارند یك دقیقه بماند بعد با آب

شسته كرد یادی رنگ برداشته شود بعد قدری روی شیشه را

در روی صفحه زجاجی دیگر كه موسوم است بحامل شیئ بگذارند

برای امتحان باید ابژكتیف حبلی پروف بكار برند

هیئت عمل — در اغلب اوقات باسیلهای دفتری

بقدری فراوانند كه فوراً تشخیص داده میشوند ولی در بعضی

اوقات قلیل العدد ند امّا بطوری باهم مجتمع كرديده اند

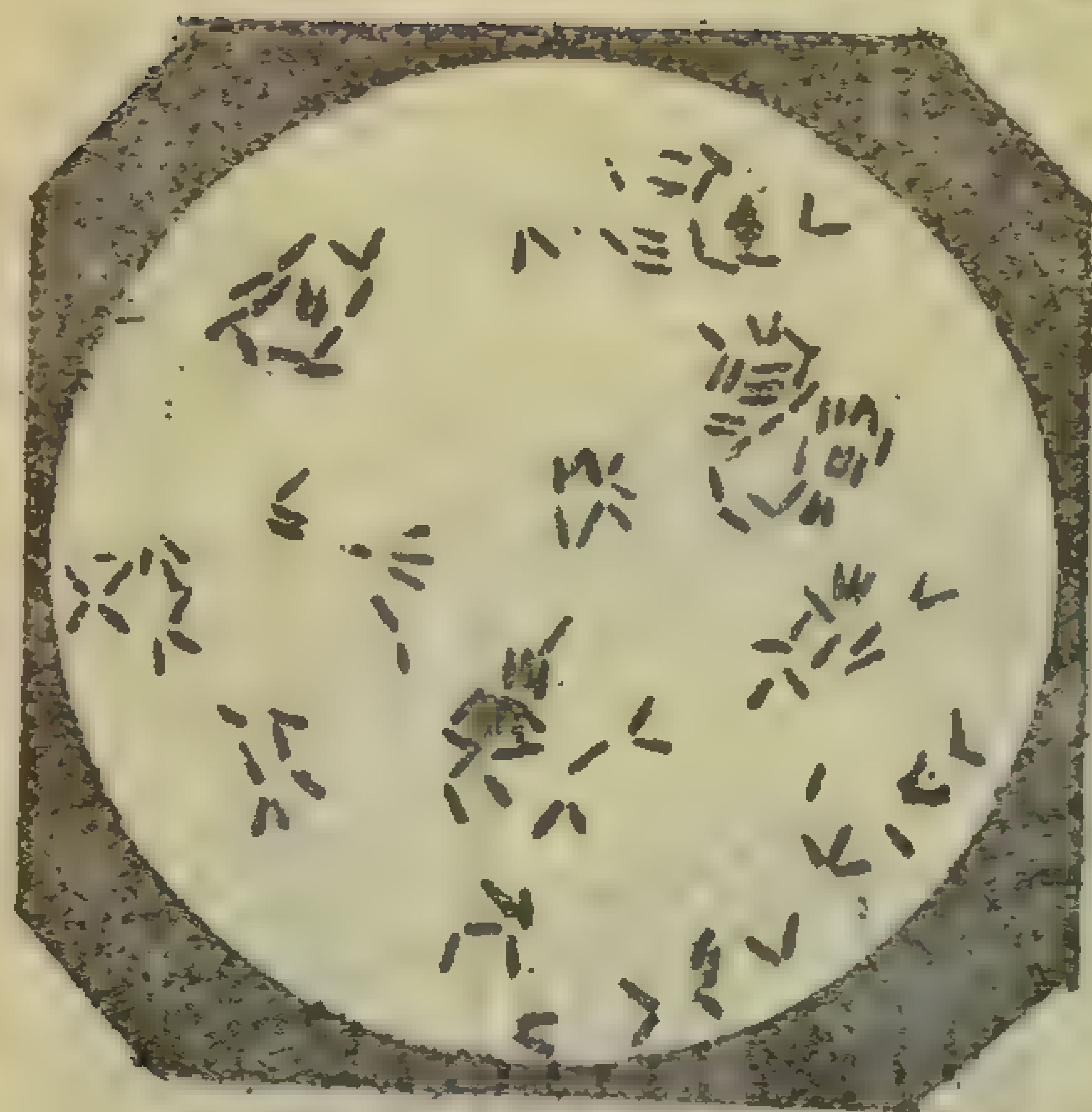
كه اكر

کراکر چندین دفعه بهمین طور انهارا امتحان نمایند محل تقیم
باقی نمیماند و باسیلهای کیلیب لفیلر بشکل دانهای برنج
باریکند که طولشان دو برابر عرض انهاست و دو سر
انها قدری بر امده است و هر سه یا چهار عدد از انها
بهم یکدیگر پیوسته اند و عموما در پهلوی یکدیگر قرار
گرفته اند و گاهی برخلاف مذکور سر بسر واقعند لیکن
صورت ابدان باسیلها در یک امتداد واقع نیستند و بعضا
اخری طوری واقع شده اند که یکطرف انها بهم متصل
و دو سر دیگر از هم بتفاوت دور ند که زوایای منفرجه
متفاوته حاصل مینمایند و اگر هیئتی که از این اجتماعات
حاصل گردیده است ملاحظه نمایند هیئت کلیه منتظم
مینمایند مانند اینکه سنجاق زیادی در روی صفحه
بزنند (ش ۱)

## نوع اول



(شکل اول)



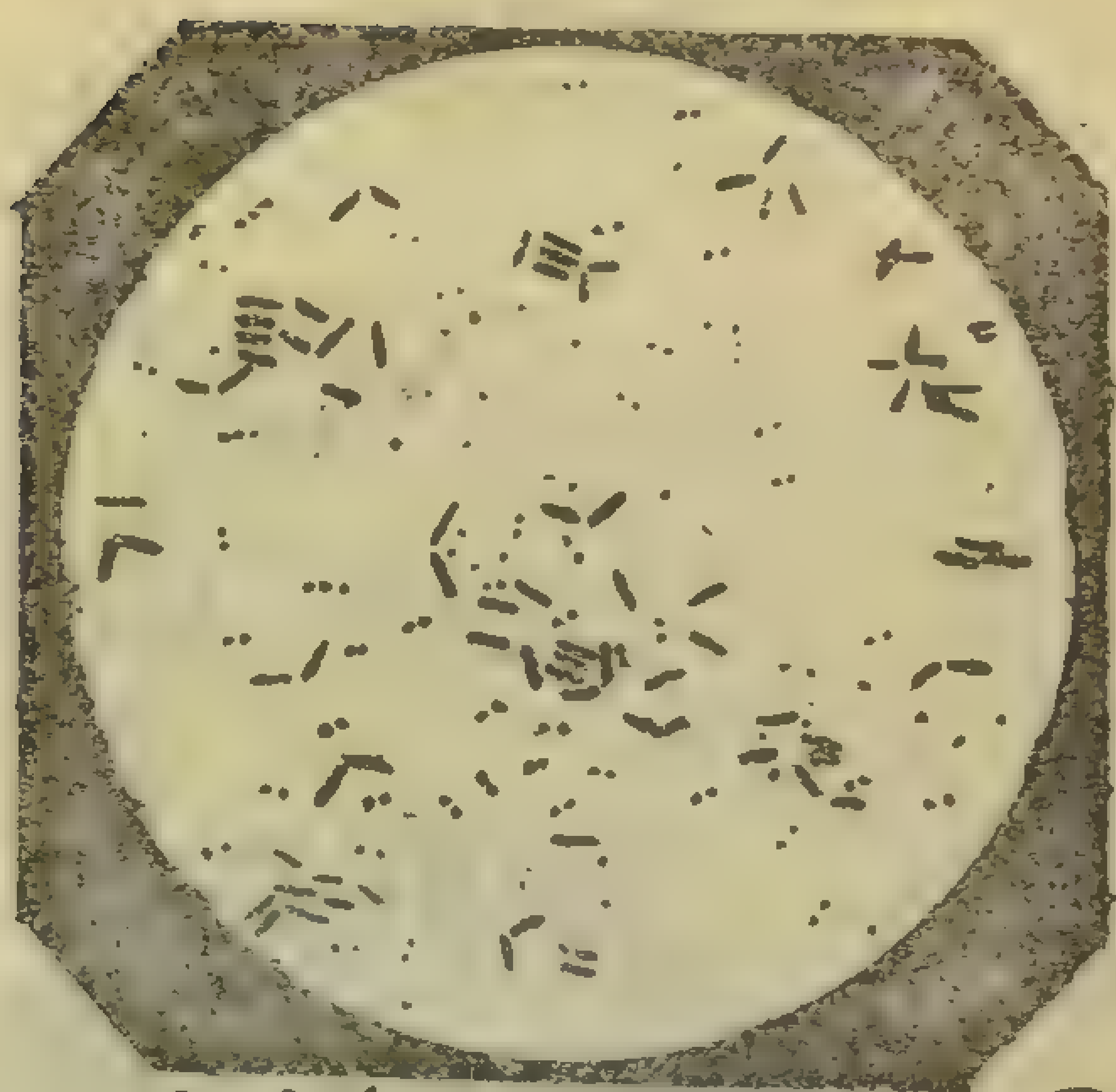
باسیل کلب ذراعت خالص

دکوکوس بربزوق (اسم طفلی است که در زمان مسیو

رفو و ابرسن و نام فن این میکربها کشف نموده ماند)

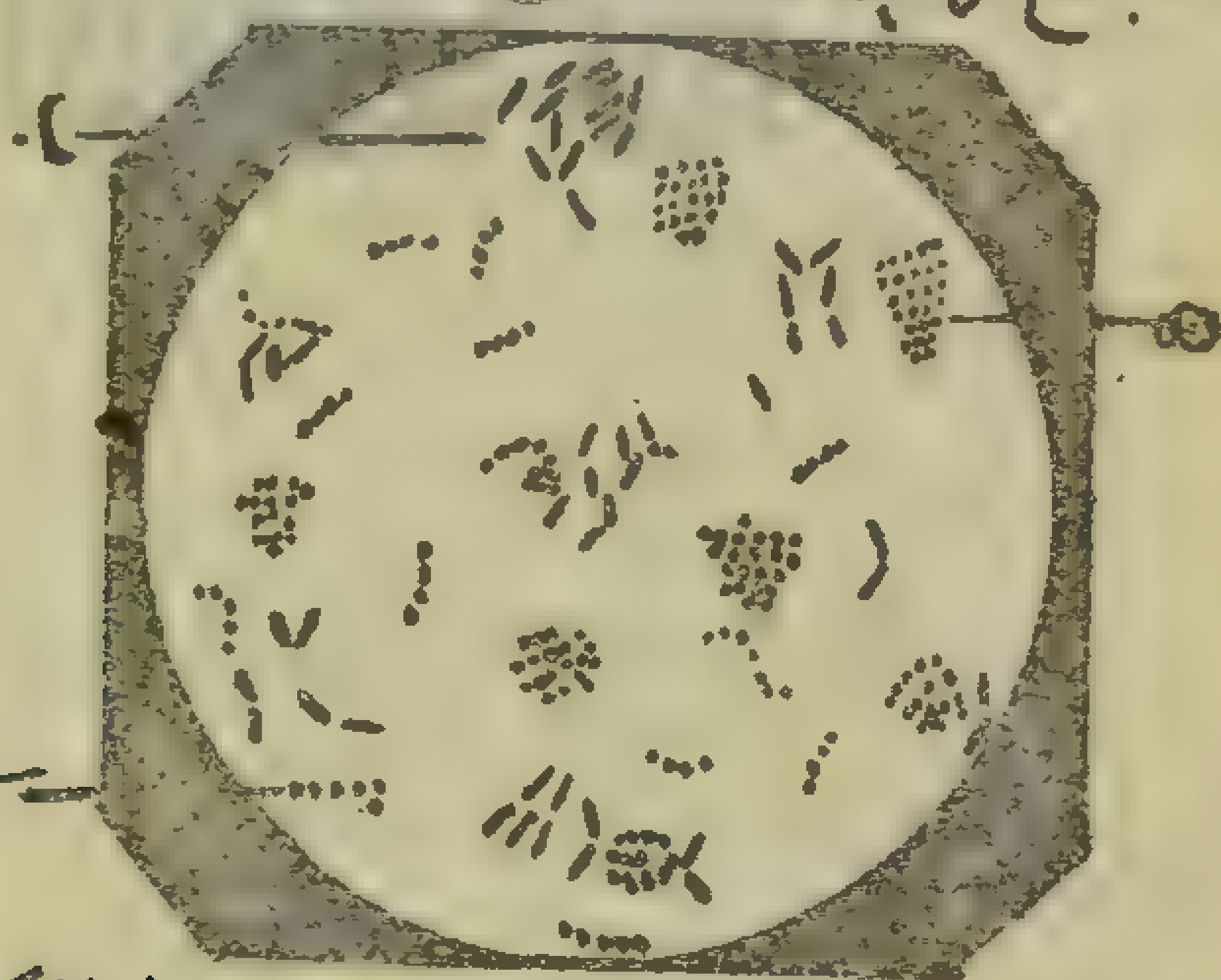
بشکل نقاط صغیره منفرد نباد و بدو باهم پیوسته نمو داد

میشوند (ش ۲)



(شکل دوم) باسیل کلب لفلر وکوکوس پیرژن

استرپتوکوک بصورت نقاطیکه دو به دو باهم متحد کردیده بر شکل زنجیر مختصره از عدد الی ۱۲ عدد و استافیلوکک مثل رند ومانند خوشه مجتمع کردیده اند (شکل ۳)



(آ) باسیل کلبر (ب) استرپتوکک (ج) استافیلوکک

# نوع اوّل

چنانچه دیده میشود ممکن نیست حتی برای اشخاص که تجربه
مشتبه نمود یاقوتهای حقیقی را که طبیعتاً با سنگهای
که اغلب همراه باشند مانند کورندن و زیرکن و
پرکلت و اسپناهیلوکلت زیرا که این سنگها مثل یکدیگرند و
بعضی
امتحان اغشیهٔ کاذبه نادرتر بین همیشه در تشخیص کافی
نیست بلکه باید ترکیب نمود با کاستن یا سنگهای مجهوله
در اغشیهٔ کاذبه رنگ را امتحان نمود یعنی محصول در اثر
آن دو بعد از وهله احضار ... که در صورتیکه اغشیهٔ کاذبه
موجود نباشد آنها را باید با محلول طلای سفیدیکه
با شعله چراغ الکلی حرارت داده و حجیم نموده بعد در
هوا نگاه داشته تا سرد شود تمام انحلال و ملایمت
رطوبات جچهای بیخ حلقوم و قریب بحجره ابو داشته
و بطوریکه من بعد اگر خواسته شد از آنجا ببرند و امتحان
نمایند

## سرم ضد دیفتری

**عمل دویم — کاشتن اغشیهٔ کاذبه یا رطوبات که احتمال دیفتری در آنها میرود در روی سرم وامتحان از یاذره بین**

از برای این عمل چهار هنگام است

**اول** تدارک لولهائی که از برای کاشتن باکتریها است

**دویم** کاشتن لوله های سرم دار است

**سیوم** امتحان تشکیلات حاصله با چشم تنها است

**چهارم** امتحان تشکیلات حاصله با ذره بین است

**هنگام اول —** تهیهٔ لوله های سرم دار دیگر برای کاشتن باکتریها است برای کاشتن با سیلهای مجوبه در اغشیهٔ کاذبه یا در ترشحاتیکه محل احتمال دیفتری است محلل زرداغت سرم خون گاو یا اسب سرتیپی شده که با شرایط مذکوره است قرار میدهند

واین سرم را میتوان بدو طریق ساخت

# نوع اول

اول طریقه شنکار درو
این طریقه بسیار صحیح است ولی همه کس
نمیتوانند از عهده آن بر آیند از برای
استعمال باید با قصاب یا بیطار قرار
داد که همیشه خون حیوانیکه باید فصد
آن گرفته شود آماده و حاضر باشد
که تا خونیکه از عرق خارج میشود
در فلاکن عقیم ضبط شود و سرم
حاصله را در لولهها تقسیم نموده
بطوریکه بهیچ چیز آلوده نشود
و بعد از آن لازم نیست عقیم نمود
از برای آنکه باین طریقه سرم عقیم
حاصل میشود

دوم طریقه کوخ است
این طریقه که زیاد معمولست مرسوم
از خونیکه از قصابخانه میآورند
میگیرند بعد این سرم را باین طریقه
تندال یا بواسطه حرارت
دادن منفصله عقیم مینمایند

اکنون این اعمال را بتفصیل ذکر مینمائیم

اوّل در طریقهٔ نگاهداری — فلاکن دهان فراخی که
ظرفیت آن معتنا است باشد با سر میکه میخواهند بسازند
و دهان این فلاکن را با کاغذ صافی ضخیمی مسدود مینمایند و
با مخروطی از کاغذ سر فلاکن را میپوشانند و اطراف کاغذ را
بگلوی فلاکن بچسبانند و تمام آن را در اتوی ۱۱۰ درجه حرارت
عقیم کنند

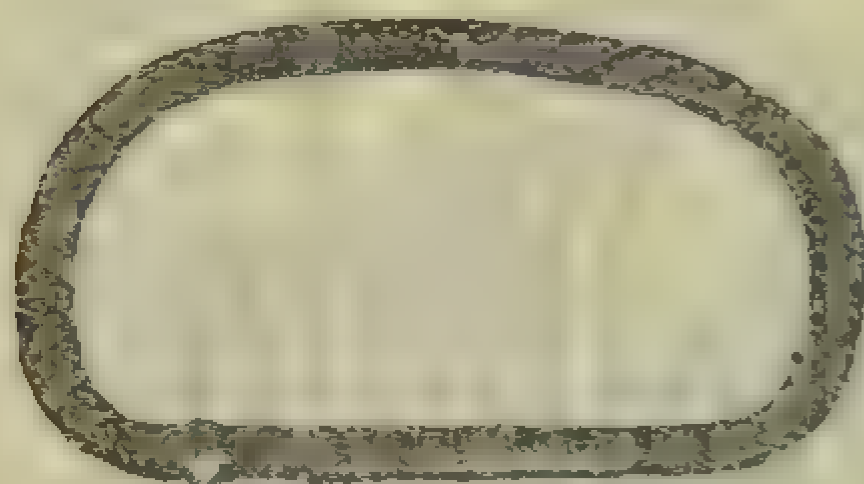
از طرف دیگر لوله از فلز را که باید داخل در عرق حیوان بشود
حاضر نمایند و یکسر این لوله صاف است و مانند سر قلم تحریر
قطع در بریده است و سر دیگر آن قدری برآمده است که باید
با لوله از کاوتشو بطول ۴۰ صدی مطر (س م) مربوط
شود بعدای



(شکل چهارم)

# نوع اوّل

لوله‌ها را تو در صد درجه حرارت تا صد و پانزده درجه عقیم مینمایند ولی قبل از این عقیم نمودن باید سر از این لوله‌ها داخل لوله کائوچوئی نمایند مانند شکل پنج و ظرف سر و لوله در وقتیکه حاضر شد باید حیوانی را که خون از آن گرفته میشود حاضر و عمل نمایند



(شکل پنجم)

قبل از اجرای عمل عامل باید لامپ الکلی با دو رومیزی یکدانه که دسترس باشد و یک باد و قبل با توری و پنجهای قوی بسیار تمیز و یکزوج مقراض و ابزارهای تشریحی و ریسمان بستن شریان و همچنین ظرف قابله برای ضبط خون و لوله‌های عقیم حاضر باشد

خون را ممکن است از وداج یا از سبات گرفت و در صورتیکه
بخواهند خون را از ودج نمایند بهتر است که شریان سبات را
بکشایند چونکه از فشار شریان خون بهتر در ظرف قابله
داخل میشود

و در عمل در شریان باید عرق را عریان کنند تا اینکه در
زیر آن عبور دهند شریان را بلند کنند و سطحی از او با سر میل پلاتین
که در روی لامپ الکلی بشدت داغ نموده باشند بسوزانند
و یا با چاقوی شعله داده فورا شریان را بکشایند بمحض اینکه
خون بنای جستن گذاشت لوله را از لوله کاووتشو
خارج نموده و آنرا شعله داده داخل در عرق نمایند پس از آن
ظرفیکه برای سرم حاضر است کلاه مخروطی از پنبه
و کاغذ نهاده آن را سوراخ نموده و خونیرا که از لوله کاووتشو
خارج میشود در آن ظرف جمع نمایند
در وقتیکه این ظرف اول پر شد لوله کاووتشو را فشرده

# نوع اول

اگر جریان خون موقوف شود و ظرف را برداشته مجدداً کلاه کاغذ
مخروطی را بسر آن بگذارند و بهمین طور میتوان یک چندین
ظرف دیگر را که قبل از وقت آماده نموده اند پر نمایند بعد لوله
را از شریان بیرون کشیده و آنرا با ریسمان ببندند و ظروف را
که با این طور از خون پر نموده اند در مکان خنکی بگذارند که پس
از ۲۴ ساعت الی ۴۸ ساعت رغوه بسته و جدا
گردیده و درد و قتیکه جدائی تمام حاصل شد سیرم را جمع
مینمایند

برای استعمال بواسطه پیپت عقیم شیشه ای پر لاند که سر نازک آنرا
که قبل از وقت شعله داده اند شکسته و سرم را در آن
جذب و داخل کنند ولی دقت نمایند که تلاقی با رغوه ننماید
تا سرم کم رنگ باشد و پس از آنکه پیپت پر شد آنرا بالامپ
مسدود نموده و مدت ۲۴ ساعت راحت بگذارند برای
اینکه گلبولهائی که در سیرم باقیست رسوب نمایند

(رسم ششم) پیپت شامبرلاند

و بواسطه اینگونه رفتار سرم زلال کم رنگی بدست میآید که میتوان از آن مدت مدیدی هر وقت که بخواهند در پیپت ضبط نمایند تا اینکه بلافاصله از آن در لولهای امتحان تقسیم نمایند

و برای استعمال آخر لوله های امتحان را که در ۱۵ درجه

# نوع اول

عقیم شده و باید دهان آنها مسدود و داشت حاضر نموده و سر
لوله نازک پهلوی پیپت را با چاقوی بلورین شعله داده خورد
مینمایند و سیرم را در لوله ها تقسیم مینمایند دقت کنند که
پیش از ربع ارتفاع آنها پر نشوند

اکنون لازمست که خلوص این لوله های سرهم را بلحاظ باکتریولوژی
تحقیق نمود و برای این مطلب باید آنها را مدت ۴۸ ساعت در
اتوی ۳۷ درجه حرارت گرم نمود و آنهائی را که کدورت
یافته اند باید دور ریخت چونکه کدورت و اغتشاش دلیل
بر اینستکه عقیم نکرده بوده اند

پس از آن لوله هائیکه باین طرز مرتب و آماده کرده بوده اند
باید آنها را سربسته نمود و استعمال را من بعد ذکر مینمائیم

**دوم در طریقه دکتر کوخ** — در این طریقه لازم
نیست که خون ماخوذ از فصد را جمع نمود و اینهمه دقایق و
زحمات را در باب عدم عفونی بودن خون کرد طریقه

رو بود متمایل شد بلکه دو طشتک بلوری میگیرند که ظرفیت
هر یک تخمیناً یک لیتر باشد و یکی بزرگتر است که سرپوش است
برای دیگری



## شکل هفتم

هر دو ظرف را در اتوی ۱۳۰ درجه حرارت تعقیم مینمایند بعد
در لفافه از کاغذ پیچیده کرده در وقت گرفتن خون از اسب مینمایند
و در قصابخانه در وقتیکه قصاب حیوان را ذبح مینماید طشت
کوچک را بر داشته و از او مکشوف نمایند که در وقت ریختن
و جمع کردن خون دو ثلث این طشت را پر نموده و با طشت

# نوع اوّل



بزرگتر از آمپول شوند و هر دو را مدت ۲۴ ساعت در
محل خنکی میگذارند و پس از اینمدت رغوه جمع و جدا کرده
و سیرم آزاد میماند و این سرم آزاد مستعمل است و این سرم را با
شامبرلاند گرفته در لولهای امتحان تقسیم میکنند
با احتیاطاتیکه در طریقه رو ذکر شد و اینطور تهیه کرده
اغلب قصابخانهای پاریس مثلا ولیست سرم از عقیم نیست
پس باید سرم را در وقتیکه در شیشه شامبرلاند داخل
شد عقیم نمود بطریقه تندال یا گرم کردن منقطعه
باینطور که شیشهای شامبرلاند را که سرم ماخوذ در
آنهاست در اتوی حمام مادیه ۵۸ درجه گذاشت و این
درجه حرارت باید کم و زیاد باشد مدت یکساعت از آن
گرم نمایند و مدت ده روز این عمل را هر روزه یکساعت
مکرر مینمایند و باینطور سیرم عقیم حاصل میشود که بعد
آنرا در لولهای امتحان تقسیم مینمایند

# سرم ضد دیفتری

و برای اینکار سر لوله‌های نازک پهلوی چسبیده را تا حاوی بلور شعله داده شده میشکنند بعد سرم را در لوله‌ها تقسیم نمایند بشرط اینکه بیش از ربع طول لوله‌ها را پر ننمایند

و برای تحقیق خلوص این سرم از جهت باکتریولوژی باید مانند طریقهٔ رو ۴۸ ساعت لوله را در اتوی ۳۷ درجه گرم نمود و باید تمام لوله‌هائیکه مغشوش و کدر شوند دور ریخته شوند لوله‌هائیکه باینطور مشتبه شدند باید پس از آن آنها را سرپیشی نمود

**عمل سرپیشی کردن** — سرم عقیم منقسم در لوله‌هائیکه بطریقهٔ رو یا بطریقهٔ کوخ تحصیل کرده‌ایم باید آنها را سرپیشی نمود باینطور که سرم را بواسطهٔ گرم کردن لوله‌های حاوی آن در ۵۶ درجه حرارت منجمد نمود و لوله‌ها را میخوابانند بطوریکه سرم در وقت انجماد در یکسمت جدار لوله بسته شود در صورتیکه اتو فراهم نشود میتوان لوله‌ها را

# نوع اول



در روی شبکه مفتولی جدا باشد و در روی دیگ الی
گذاشت و آب بجوش آورده که لولها با بخار آب بقوام سریشم
برسند و برای سریشمی شدن از ۳۰ الی ۴۰ دقیقه کافی است و
در وقتی که سریشم کهربائی رنگ و نیم زلال شد دلیل بر ختم
عمل است و در آن وقت لوله‌ها را برمیدارند زیرا که اگر زمان حرارت
زیاد شود رنگ کهربائی نیم زلال کدر میشود و معیوب است
لولهای دارای سریشم سریشمی شده از برای کاشتن باکتریها است
که هنگام دوم است

## هنگام دوم — کاشتن لولهای سریشم‌دار

مفتولی از طلای سفید را در شعلهٔ لامپ الکلی گرفته گرم و عقیم
شود بعد بگذارند سرد شود پس از آن سر مفتول را با عشبه کاذبه
که محل احتمال دیفتری است میمالند بعد از آن بروی سریشم یکی از لولها
چندین مرتبه میکشند بطوریکه از کشیدن آن خطوط متوازیه
در سطح سریشم نقش شود یعنی چندین دفعه در هر دفعه سر مفتول را

بعمق لوله فرو برده و در روی سرمه کشیده تا بطرفی از سرمه
که در دهان لوله است و مجدداً مفتول را بلند نموده بعمق لوله
برده و موازی با مجره اولی تا دیگر مفتول را بر روی سرمه میکشند
و هکذا یکبین اینکه مفتول را از لوله خارج نمایند تا بقدر کفایت
خطوط متوازیه که تماماً از طرف عمق لوله رو بدهان آن بروی
سرمه کشیده و نمایان شود مانند اینکه با سطاره در روی
کاغذ خطوط متوازیه میکشند و خطوط مذکوره باید نزدیک
بهم باشند

در لوله دوم سرمه دار همین عمل را مینمایند بدون اینکه مفتول را
پاک کنند یا مجدداً از آبا غشیه کاذبه آلوده نمایند و این لوله
دوم نیز تشکیلات نازکتری میدهد

و در این بند رافشانی بعضی دقتها لازم است چنانچه نباید
دست ما بلوله زده مگر در وقت داخل کردن تخم یا مفتول
بلا تنی و نباید پنبه که در دهان لوله است بروی سرمه چسبد؛

## نوع اول



دیگر گذاشت بلکه باید آنرا تا این عفنیم شده نگاه دارند
در وقتیکه بذر افشانی تمام شد دهان لوله را شعله داده
و پنبه را مجدداً در دهان آن گذاشته و این لوله بذرکاشته شده
را در اتوی ۳۷ درجه حرارت منتظمه مدت ۲۴ ساعت
بگذارند بماند

اگر اغشیه کاذبه موجود نباشد و احتمال دیفتری برود
کافیست که سر مفتول پلاتینی که از اغشیه نموده و در هوا
سرد کرده به رطوبات حلقهای بیخ گلو و قریب بحنجره آلوده نمایند
و لولهها را بطرز مذکور بکار برند و پس از ۲۴ ساعت توقف
لولهها در اتو اگر بذر افشانی بطور شایسته باشد سرمکا
هوحقه اخذ شده باشد همیشه تشخیص بطور صحیح و واضح
و ثابت میشود که دیفتری موجود است یا نه و از برای این
تشخیص دو عمل لازم است اول امتحان با چشم تنها است دوم
امتحان با ذره بین است و این دو عمل را مطابقه مینمائیم تا آنچه

کرمشاهده میشود بخوبی معلوم شود

## امتحان زراعات حاصله با چشم تنها

اگر تشکیلات در سطح لوله نباشد بدون
احتیاج با امتحان با ذره بین میتوان تمیز
بعد دیفتری نمود
اگر دیفتری باشد بعد از اگر باسیل کلبس لفلر
موجود باشد ۲۴ ساعت در سطح لوله
تشکیلات سفید یا خاکستری رنگ میشود
با اطراف منتظم دیده میشود و هرگاه لوله
را در جلو نور بگیرند و از انکا کنند مرکز
آن کدر و اطراف آن زلال است و مشاهده
که اغلب کلنی ها مدور حبت با میکربهای دیگر
بخصوص با کوکوس ها ... و با استرپتوکوک
و با استافیلوکوک و در اینصورت در پهلوی

## امتحان زراعات با ذره بین

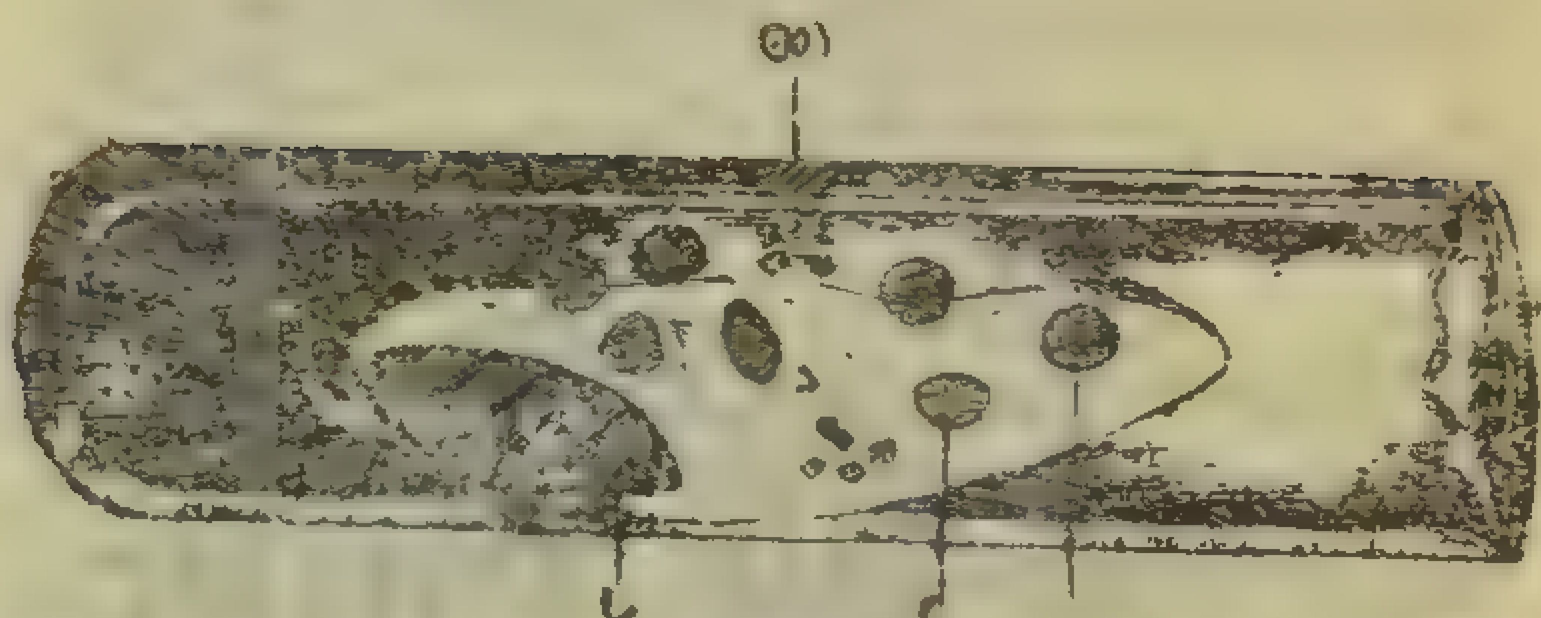
برای امتحان زراعت با ذره بین
با مفعول بلا ایمرسیون عدسی قطعه از
تشکیلات برداشته و در یک قطره
اب مقطر عقیم رقیق نموده و
در روی صفحه بلوری که ...
و با رنگ ... رنگ
رنگ نمایند

اگر باسیل دیفتری موجود
باشد همشان بخوبی رنگ

# نوع اوّل



| | |
|---|---|
| تشکیل کلیب لفلبر تشکیلات دیگر نمودار است | در صفحه ۶۰ شکل ۱ ذکر شد |
| تشکیلات صورت بستن از کوکوس بزرگ اندکی شبیهست بانکه تشکیل یافته است از کلیب لفلبر ولی از نظر نمودن در مقابل نور در تمام اجزاء ژلاتین و مرکز ازکد نیست | هیئت تشکیلات حاصله از کوکوس بزرگ بنحو بستکه در صفحه ۴۱ (ش ۲) نموده شد |
| تشکیل صورت بستن از استرپتوکک ژلاتین وحبلی کوچکتر از آنها یکه بواسطه کوکوس بزرگ صورت بسته اند و بین تشکیلات درشت ریزتری نقطه نقطه موجودند | هیئت تشکیل حاصله از استرپتوکک بنحو بستکه در صفحه ۴۱ (ش ۳) نموده شد |
| تشکیلاتیکه بواسطه استافیلوکک صورت بسته اند بهم و غیر منتظم و بس از ۲۴ ساعت اندکی نمو نموده اند ولی بس از آن بسرعت نمو مینماید | هیئت تشکیلات حاصله از استافیلوکک بنحو بستکه که در صفحه ۴۱ (ش ۳) نموده شد |



شكل هشتم هيئت زراعت (ا) تشكلونا سياه كلب لفلر (ب) كوكوس بن بزرق (ه) استرپتوكك (د) استافيلوكك

دوا ساييكر مهمل تشخيص باكتريولوژى دهفتريت ايلديكده تجربه خود وجود توام وجنس ميكربهائيكه ملحق بطبيعيل كلب لفلر مباديه ذكر نمايد شناختن اين انضمام واجبست نه فقط ازحيثيت شناسائى نفذها المعرفة مرض بلكه براى تجديد ذروسرم وتحصيل ايدآكه

از آن منظور است

واگر باسیل دیفتری فقط و بدون انضمام موجود باشد باسیل

بر درد گلوی دیفتری خالص و خناق خالص است و در این

صورت که خطر آن کمتر است اغشیهٔ کاذبه بسرعت جدا می گردد

و در ۴۸ ساعت برطرف میشود و درجه حرارت تنزل

مییابد و بیاض البیض اگر بروز نموده باشد موقوف

میگردد و بواسطه زرق ده صد در تهیگاه دیگر شفا

یقینی است

ودر صور بسیار خطیره افزایش اغشیهٔ کاذبه در ۲۴ ساعت

پس از زرق موقوف میشود و باید در هر ۲۴ ساعت یک

دفعه زرق ۲۰ صد مطر تجدید شود و باید مکرر نمود

تا وقتیکه درجه حرارت پایین تر از ۳۸ درجه تنزل نماید

در صورتیکه از امتحان باکتریولوژی انضمام کوکوس بروز

با باسیل دیفتری معلوم شود بر شدت مرض افزوده شده است

و شبیه بخود مذکور رفتار نمود

در صورتیکه استافیلوکک که علت ریمیت همراه باشد با باسیل

کلبس لفلر درد گلو و خناق بسیار ردی و خطرناک باید

در هر روزی ۲۰ صد مطر زرق نمود نصف آن در بامداد

و نصف دیگر که ده صد مطر است در شام تا مدتی و وقتیکه درجه

حرارت بکلی تنزل نماید و واضحست که سرم در رفع ترکیبات

ردیه که غالباً عارض میشود بی اثر است

خلاصه هرگاه بعلاوه با باسیل دیفتری استرپتوکک موجود

باشد خطر مرض بسیار زیاد است و مدت علاج طولانیست و

مقدار سرم به ۸۰ و ۱۰۰ صد مطر مکعب میرسد و ترکیبات

ردیه بسیار مشوم و مخوفست

چنانچه ذکر شد در انضمام تتراکوکوس بر باسیل دیفتری

عموماً تقدمه المعرفه جید است برخلاف انضمام استافیلوکک و

استرپتوکک با باسیل دیفتری دلیل بر رداءت تقدمه المعرفه است

## صنف سیوم

## ماصند بقری که دلردارند یا سر ساخته میشود

مااینست که بفایده منسب بان تعلیماتی که درباب فروش دوا

میکرده که اصرفی ازادارهٔ پاستر بعموم اطبا فروخته میشود

فی الواقع خدمت بنظر بیست نعام خلق

سرم ضد بقری در فلاکنهای کوچک محکم دهان بسته با

ناودن سوی بی عیب فروخته میشود که در شرایط

صد سطر مکعب مایع واینکه کانور خالص است برای اینکه

مدت بدون فساد محفوظ بماند و در فلاکن جعبه چوبی

ضبط است که از اثر نور محفوظ باشد باطراف آن ورقه کاغذ بکنده

شرح دستور العمل آن مسطور است بجهت اینکه این دستور

العمل از قرار ذیل است

تفصیل استعمال سرم ضد بقری اینست که سرم ضد بقری

سرم خون اسبی است که از مرض بقری مصون شده بشرط اینکه از آن حالا

## سرم ضد دیفتری

نگاه دارند که درجهٔ حرارت آن زیاد نباشد و روشنائی بآن نرسد
و اگر درجهٔ حرارت بیشتر از ۵۰ درجه باشد بکلی اثر آن
بیرون رود و از هوا خراب میشود و هرگاه بمقدار کمی کلروفرم
بر آن بیافزایند بخوبی محفوظ میماند

**عمل پیشگیری** — استعمال سرم بمقدار ۵ سانتیمتر
مکعب موقتاً حفظ از دیفتری مینماید ولی مدت این مصونیت
و حفظ از مرض ظاهراً الی بیست هفته است پس بهتر آنست
که در معرض سرایت مرض واقع شده اند نزد [illegible]
و قوت سرمیکه برای جلوگیری از ناخوشی استعمال میشود
اقلاً ۵۰۰ است یعنی یک درم از این سرم در [illegible] باندازه
۵۰۰ را وزن آن کافیست که بدن مریض مصون از آن
شود و این مقدار از کشت سمی یا [illegible]
دیگر است در مدت بیست ساعت و این [illegible]
با فعالیت سرم ۱۰۰ تا ۲۰۰ واحد [illegible] کنند [illegible]

# نوع اول



عمل قرابای بنی — زرق سرم ضد دیفتری بمقدار
کافی مریض را شفا میدهد بشرط اینکه در اواخر مرض نباشد
که کار از دست رفته باشد و مزاج مریض بطوری خراب
و فاسد شده باشد که قابل اصلاح نباشد و مقدار زرق
مختلف است از حیثیت سن مریض و ۵ تا ۱۰ اصله مطر مکعب
لازم است اگر مرض سخت و اگر چند روز طول کشیده باشد و
در صورتیکه بسبب خطر بیکدفعه تمام محتاج بر ۳۰ و ۳ صد مطر
و بیش از آن میشود مخصوصاً در اشخاصیکه ناچار اند از آنها
باید عمل تراکئوتمی نمود پس محال است بتوان مقدار سیرم را که لازم است
برای شفای دیفتری معین نمود و طبیب باید بملاحظه درجه
حرارت و حالت نبض و حالت عمومی مریض رفتار نماید چنانچه در
صورتیکه حرارت مستقیم کمتر از ۳۸ درجه نباشد نباید گمان
رفع مرض نمود و عموماً غشائیه کاذبه در ۲۴ ساعت پس
از زرق سرم جدا میشود در صورتیکه مقدار زرق کافی

کافی نباشد
در صورتیکه طفل بنفس بکشد غالبا استخوان بدن تراکمی در
دفعه اول ۱۵ تا ۲۰ صنتی مطر سرم زرق نمود اگر بهبودی
حاصل
نشود دوازده ساعت بعد از آن مجدداً ۱۰ تا ۲۰ صنتی مطر مکعب

در آن زرق نمایند
و بهتر اینستکه در ابتدا مقدار قوی تری از سرم زرق نمایند که
قابل توقیف مرض باشد نه اینکه بمقادیر کم و مکرر
مقدار
در تمام اطفال کوچک از یکساله فما علی کلیه این است که عدد
صنتی مطر مکعب باید متناسب با نوعی شهور و سنین ایشان باشد و در
دفعه
صورت شدت فوق العاده مرض لازم نیست که در بالغین در
اول از ۱۵ الی ۲۰ صنتی مطر بیشتر زرق نمود زیرا که اگرچه وزن
انها بیش از وزن اطفالست ولی بهتر مقاومت با مرض مینمایند
یعنی محتاج نیستند مگر بمقویت خفیف تری و باید در مریض مقدار
مفید است از سرم زرق نمود نه اینکه مقدار زیاد فرا از حد لزوم

کدزابند

کذارند

**در شهر زرق** —— زرق را باید در نسج زنبوری تحت جلد در
محل تهیکاه و خاصره نمود و تمام احتیاطات لازمه در عمق
عمو نیز باید بعمل آورند یعنی آنکه لا محاله زرق را با محلول اسید فنیک
بسه در پنجاه بشویند یا با محلول سوبلیمه یک در هزار و نیز باید
در وقت زرق نمودن زرّاقه و لوله را عقیم نمایند یا بر طبق
کرانها را در آب سرد فرو برده و آنرا با اسباب مذکوره در آن
بکذرانند مدت ربع ساعت بجوشند محل را اگر باید و از زرق
نموده پنبه [illegible] بپوشند و زرق و سرم در زیر جلد
چندان وجعی ندارد مانع مزد [illegible] چند لحظه جذب میشود
قبل از زرق و سرم لازمست که مطمئن شد که سرم بحالت میعان
نیست که فی الجمله رسوب در ته ظرف نموده باشد بلکه با
[illegible] نیست و همیشه باید تشخیص باکتریولوژی
[illegible] معمول بدارند زیرا که این چاره فقط اسباب تشخیص [illegible]

# سرم ضد دیفتری



از بطور قطع در صورتیکه علاج بواسطه سرم مخصوص باشد
ولی چون زرق با سرم هر قدر زودتر بعمل آید موثرتر و صحیح‌تر میباشد
نباید بمحض تشخیص باکتریولوژی تاخیر در زرق سرم نمود خاصه
در صورت خطره و در حالت زیادی درجه حرارت

خلاصه میدانند که زرق سرم در وقت شایسته جلوگیری
در رفع سم دیفتری مینماید ولی در صورتیکه بموقع نرسد و
تاخیر شود سم مذکور را انساج اعصاب واصل مینماید که علامت
آن فلج و عدم انتظام قلب و تنفس است و در وقتیکه با وجود
زرق سرم این علامات بروز نماید معلوم میشود که در زرق
سرم تاخیر شده است یا مقدار زرق از بقدر کفایت
نبوده است

**مخاطرات سرم** — پس از زرق سرم ضد دیفتری غالبا
شوراتی مانند بنات اللیل در روز هشتم بعد از استزریق
بروز مینماید گاهی با این بروز شورات درجه حرارت

زیاد میشود و بر ظرفه میشود بدین عروض کسالت عمده و بنده
شوزان احمرارنه با حمی برود زمینماید و بطور استثنا ورم مفاصل
باد زد همراه با این شوزانست و در اینصورت ممکن است حمی چند
روز دوام نماید و بعد از این شوزانات با حمی دو ربالعین بیشتر از
اطفالست و تمام این عوارض موقتی و بیخطراند

و از برای تحصیل سرم باید بدواخانه جات رجوع نمود چون و در
هر محل و موقعیکه ساخته شود بدوا فروش و الکن از میشود
قیمت هر فلاکن ده کرمی بدواساز در پنجم از زیاده میشود
و دواساز بطبیب و عموم مردم در شش قران میفروشند و قیمت
فلاکن بیست کرمی ده قرانست برای دواساز که باید در
دوازده قران بفروشند در پاریس و دهات اطراف آن
از جانب اداره بلدیه بمردم مجانا داده میشود با شرایط که
مربوط بآنست

## صنف چهارم

اشتغال

## استعمال سرنیزه حقنه بصری

در اینباب تصانیف عدیده بطبع رسیده ولی بطرز اختصار
چند کلمه از رساله که فارتن در اینباب نگاشته است می
نگاریم برای اینعمل زرق باید زراقه که ظرفیت آن ۲ صد
مطر مکعب باشد بکار برد و در آب جوش عقیم میشود و مرکبست
(۱) از دو لوله یکی زجاجی و یکی فلزی که لوله زجاجی بواسطه
دو بالش کاووت شو از لوله فلزی جداست (۲) از لوله
کاووت شو (۳) از لوله الحاقی که عبارتست از لوله
کاووت شو بقطر قلم در شتی بطول ده صد مطر (۴)
سوزنی بطول ۴ الی ۵ صد مطر و لوله الحاقی که از کاووت
شو نرم است بین زراقه و سوزن قرار داده میشود
برای اینست که زرق بطور شایسته بعمل آید حتی در وقتیکه
طفل حرکت و بیقراری مینماید
بعضی سفارشات در عقیم نمودن زراقه لازم است

# نوع اوّل



اوّلاً قبل از عقیم نمودن زرّافه باید همیشه مطمئن شد که بی
عیب است و بخوبی عمل مینماید و باید ملتفت شد که ادرار از سوزن
بخوبی عبور مینماید و دو بالش کاووت شو کرد رد و صرتیز
لوله را جنبش بجنبند
پس از آن دقّت اوّلیه و فشار باد ندادن به پیچ استوانه
که مبادا بشکند زرّافه را در آب فرو برده و میلی پیچ دقیقه
تخمیناً ابعمو شد پس از آن زرّافه را بیرون آورده و بگذارند
سرد شود و پیچ را فشار دهند که محکم شود در اینوقت برای
عمل حاضر است
اینرا که معلوم شد بنا باید دو رنج چونکه بکار میاید پس از تمام
شدن عمل زدن زرّافه و لوله الحاقی کاووت شو و سوزن
را باید پاک بشویند خلاصه این دقّت و احتیاط خیلی لازم است
والّا سرم میکند پس از زدن در اطراف این سه پارچه انبیب
باقی میماند خشک میشود و بعد مانع عبور سرم از سوزن

میشود

اما در باب زرق پس از آنکه آب در زدک را از سر پر نمودند

از آبدست راست گرفته یعنی در بین سه انگشت آخر و کف

دست و با شست و ابهام بیخ سوزن را گرفته یعنی در نقطه

اتصال آن با لوله الحاقی کار وقت شو و با دست چپ پوست

نهیگاه را بلند نموده بطوریکه در وقت زرق نمودن

سرم از نسج زنبوری تجاوز ننماید بلکه داخل در نسج زنبوری

تحت جلد شود

در اینهنگام یعنی در وقتیکه سوزن فرو رفت زود آنرا

بدست چپ گرفته و با دست راست که بیکار مانده بملایمت

سنبه را بجلو رانده و در همان وقت با آرامی از آبخوره جانند

و باید زراقه را باندازه که برای زرق لازم است پر نمود و

ذکر شد قبل از زرق باید جلد محل زرق را با رافع العفونت بشویند

و بهتر از همه محلول سوبلیمه یک در هزار است و پس از زرق

## نوع اوّل



دوّم سوزن را که در زیر جلد است با پنبه هیچ فرق بپوشند و این پنبه باید سر هر سه که از محل سوزن بیرون میآید یکنوع کلیدیون میسازد و با منظور سوراخ محل سوزن بکلی مسدود میگردد دوّم در هنگام زرق طاول در دستی حاصل میشود که از ١٥ الی ٣٠ دقیقه پس از آن برطرف میشود و هیچگونه علامات عمومی و مزاجی عارض نمیشود

### معلومات قرابادینی سرم دیفتری

ذکر شد که سرم را میتوان برای جلوگیری و برای علاج استعمال نمود و بعبارهٔ اخری مانند واکسن و مانند دوا است ولی باید دانست که در چه حالتی باید آنرا برای جلوگیری و محفوظ ماندن از مرض استعمال نمود

وقتیکه در خانواده یا در محلی از اجتماع اطفال یکنفر مبتلای بدیفتری گردید باید بقیهٔ اطفال آن خانواده یا مجمع اطفال را کوبیده با منظور کرد در اطفال کمتر از سن ده سال پنج صد مقطر

مکعب در بالا از این سن ده صد مطر سرم زرق نمایند و نیز
کوبیدن و تلقیح غالباً کافیست در منع بروز مرض بطور اپیدمی
(وبائی) و اگر هم بعضی اطفال مبتلا شوند خطر آن بسیار
کمتر است

و چون بطور کفایت در این باب استقراء نموده ایم میتوانیم
بطور حتم بگوئیم که این اطفال تلقیح شده تا چه مدت محفوظ از این
مرض میمانند

اکنون گفتگوئی از استعمال علاجی سرم ضد دفتری مینمائیم
قاعده کلیه که نباید هرگز از آن تجاوز نمود این است که
هر وقتیکه حدس و گمان بوجود دفتری در مریض برده شود
باید بلا فاصله در تحت جلد تهیگاه از بیست صد مکعب مطر
سرم در یک دفعه زرق نمود و در مبتلا و از پانزده ساله
بهتر آنستکه از سی الی ۴۰ صد در یک مجلس زرق نمود
ولی ۱۵ الی ۲۰ صد در تهیگاه ایمن و ۱۵ الی ۲۰ صد در

# نوع اوّل

۹۴ تهیگاه ایپر که در هوای ۱۵ تا ۰ ـ صد و یازده مکعب زده شود
که در این صورت غیر از بروز شورش تکرز هیچ خطر و عیب دیگر
ندارد و امّا اگر شما الواقع مرض دیفتری باشد هرگاه مقدار
زرق کافی نباشد وقت عزیز از دست رفته است و جز پشیمانی

سودی ندارد

و فوراً پس از زرق بلکه بهتر از آن قبلاً از زرق برای اینکه
بعد از آن مریض را راحت بگذارند دهان مریض را گشوده با تولو
بروی اغشیه کاذبه یا در رطوبات بیخ گلو برده و آلوده نمود
و بلافاصله دو لوله سیرم خود را بطوریکه دستور العمل داده شد
تخم کبری مینمایند و ۲۴ ساعت پس از آن از امتحان لوله ها مطلب
مهمتر فرا بادینی بر شما معلوم میشود یعنی بر شما محقق میشود
که مرض دیفتری نیست یا نه اگر دیفتری نباشد ترک زرق سرم
مینمایند در صورتیکه هم از امتحان زراعت خود مفهوم گردید دیفتری
خالص است یا دیفتری با انضمام میکروبهای دیگر است

پس

پس تمام علاماتیکه در معالجه با سرم حاصل میشود مزاجی
چه موضعی از قرار ذیلست
علامات مزاجیه چهار است **اول** حالت نبض **دویم**
درجه حرارت **سیوم** تنفس **چهارم** بیاض البول است
اما علامات موضعیه (اغشیه کاذبه) بطوریقین علامات
مفیده بد نیستند هرچند اکر امتیازات باکتریولوژی تمام
ولی علامات باکتریولوژی نیز بهمان نحو است اکرچه صحیح تر است
وهیئت اغشیه کاذبه و همچنین زیادی آن هرکز در باب تقدمه
المعرفه و علاج مرض چیزی بر معرفت طبیب نمی افزاید در آنکه
دیفتری خالص یا ممزوج است
اکنون بعضی علاماتی راکه ممکن است در علاج باسرم حاصل شود
بیان میکنیم و در اینموقع معالجات موضعیه که در مرض دیفتری
معمول است بطور اختصار ذکر مینمائیم

## در بیان معالجات موضعیه مرض دیفتری

# نوع اوّل

دکتر رودر انجمن بوداپیست در تصانیف سابق زان طبع نموده است ذکر مینماید که واضح است که معالجه مرض دفتری با سیروم مانع تمام معالجات موضعی این نیست و بطور حتمی منع مینماید استعمال محرّکات و اسید فنیک و سوبلیمه را و میگوید از تجارب عدیده برما معلوم گردیده است که اگر در علاج دفتری هم زرق سروم و هم استعمال اسید فنیک یا سوبلیمه با هم نمایند بنتایج ناگوار منجر میشود چنانچه در مدّت هشت روز که در مریضخانهٔ اطفال در اطاق مبتلایان بمرض دفتری جمعی را با سوبلیمه و جمعی را هم با سروم فقط معالجه نمودیم در حالتیکه تمام شرایط حفظ صحی و غذائی و هوائی آنها بیک طرز بود و در عرض این یک هفته از مرضائیکه معالجهٔ آنها با سوبلیمه بود با وجود اینکه درجه مرض آنها متوسط بود سه نفر تلف شد اما در اطفالیکه معالجهٔ آنها منحصر بسروم بود با وجود شدت مرض در بسیاری از آنها حتی

در بعضی

# سرم ضد خناق و غیره



در بعضی محلها اکو تجربه نمودیم تمام مرضا شفا یافتند
اما دکتر مروق کر استعمال سوبلیمه و اسید فنیک را قدغن
مینماید در روزی سه دفعه شست شوی با محلول اسید
بوریک با پنجاه گرام لیکیر لابارالک زاد بلکه لیزاب جوش
تجویز مینماید فایده این شست شو حتی الامکان زایل نمودن
تخم مرض و اجتناب از کلوبندهای منکریست که ممکن است
بعد از شفا یافتن عود کند دفتری عارض شود و مسبوق
علاج موضعی را منع نمینماید بلکه تجویز مینماید مالیدن
ای مخصوص که مرکب است از کافور و روغن بمقدار متساوی
که از آن گلوله‌ها درست کنند تا غلیظ شود و علاوه براین
در تمام هنگام معالجه با سرم در تمام حالات و اطوار مختلفه
مرض گلیسرین با اسید سالی سیلیک بمالند مگر در صورت
جیدی چون اغشیه کاذبه پس از زدن سرم جمع شده و جدا
میگردد و گلو پاک میشود محتاج بمالیدن دوا نیست در معالجه

# نوع اول

باسرم ابداً تغییری در غذای اطفال لازم نیست بلکه آنها را باید خوب تغذیه نمود با اغذیه مقویه مگر در صورتیکه بیاض البیض زیاد در ادرار بهم رسد که در آن وقت غذا را باید تغییر بیشتر نمود

## ورم کلوی دیفتری خالص حاد

مقصود از این مطلب ذکر حالات مریضی است که مبتلا بورم کلوی دیفتری خالص بود و بنا بر قاعده کلیه در روز اول ۲ صدم مطر مکعب سرم در روی ذرق نمودیم در صورتیکه ضربات نبض ۱۲۸ و حرارت شبانه ۳۸ درجه بود بدون اختلال تنفس و بدون وجود بیاض البیض در ادرار ۲۴ ساعت پس از ذرق ضربات نبض به ۱۰۸ تنزل نمود و درجه حرارت افزوده نشد بلکه از ۳۸ درجه به ۳۷ رسید این نقصان خفیف حرارت که همراه با نقصان زیاد ضربات نبض بود ما را مجبور بزرق مقدار جدیدی از سرم

نمود

نمود

## ورم گلوی دیفتری خالص ولی شدید و ردیه

اکنون ذکر حالتی از ورم گلوی دیفتری خالص است اما بعوض
اینکه جدید نباشد مانند صورت سابقه بحالت شدت و
ردائت

در روز اول ۲۰ صد مطر مکعب سرم زرق نمود هم ولیکن
کافی نبود زیرا که فردای از روز درجه حرارت به سی و نه
زیاد تر شد و ضربات نبض از ۱۰۰ به ۱۲۰ مجاوز نمود
و از این صعود توام حرارت و نبض معلوم شد که مرض زایل
نگردیده است و در اینگونه مواقع باید مقدار زرق سرم
را مکرر نمود و نیز ۲۰ صد مطر در یک دفعه و بهتر اینکه
ده صد مطر در صبح و ده صد مطر در شب زرق نمود چنانچه
معمول ماست و نتیجه از اینست که در روز سوم حرارت
یک درجه تنزل نمود ولی نبض تقریبا بهمان ارتفاع باقی ماند

# نوع اول

یعنی ۴ اونسه در دقیقه و نباض النبض بعد از زیاد خارج میشد
و در نقطة من المعرفة باید توقف و تامل نمود زیرا اگر چه بر دیگری از
علامات که درجه حرارت باشد تخفیف حاصل نکردیده لهذا
ده صنکاطر مجدداً زرق نمودیم فردای آن روز درجه حرارت
و نبض تنزل نموده و نباض النبض کمتر گردید دیگر زرق را
موقوف نمودیم و مریض شفا یافت

مختصراً گلو دردهای دیفتری خالص لازم دارد زرق ۳۰
تا ۵ صنکامطر مکعب از سرم که در سه روز تقسیم و تجدید
شود و شفا در عده تکرار و لازمست ذکر نمائیم حاصل مجازی
که مسیو مری از پوردا نیستر برای ما فرستاده است یعنی
در ۳۰ اندرد گلوی دیفتری خالص بر نفر تلفات ذلک است
و دو نفر از این نفر یکی بمرض تورکول و دیگری بسرخچه
تلف گردیده‌اند و هفت نفر دیگر در ظرف کمتر از ۲۴ ساعت
پس از ورود به مریضخانه فوت نمودند

اکنون از درد گلوی دیفتری انضمامی گفتگو نمائیم ولی از
دیفتری منضم با باسیل بریزرو صرف نظر مینمائیم چونکه
انضمام این باسیل باعث رداءت تقدمة المعرفه نمیشود
و از حیثیت شدت تفاوتی با صور سابق الذکر
ندارد

## درد گلوی دیفتری با انضمام استرپتوکک (ماده جمره‌ای)

اکنون ضمناً میر اذکر مینمائیم که تقدمة المعرفه را زیاد شدید
مینمایند یعنی انضمام باسیل دیفتری با استرپتوکک و استا
فیلوکک

از روز اول ۲۰ صد میط تزریق نموده پس از ۲۴ ساعت
تمام قوسهای حرارت و نبض تنزل مینماید و از نکات عمده اینست
که در صورت حرارت شدید از صبح تا دو نوبت ده صد میط مکعب
تزریق میشود و در صورت انضمام میکربها بهتر آنستکه در روز
دوم هم بعوض ده صد بیست صد مطر تزریق نمایند چنانچه

# نوع اول

حالات روزهای اینده بحران از معلوم میشود
خلاصه در روز سیوم با این حسن نبض و رفتار اسباب بحران
میشود چنانچه غالباً در کاو دردهای انضمامی و امزاجی بدم
میشود که تمام قوسها فوراً از باد صفحه سینه با علامات بای
شدید بروز میکند تنفس بطور بی زیاد میشود که خوف
از بروز ورم شعب ریه میرود

لازمست که مقدار سیرم از سفراسید بنسبت صدم مطر مکعب
زرق نمایند چنانچه معمول ما است

فردای از روز این طوفان میخوابد تمام قوسها بخوبی نزول
مینمایند درجه حرارت بسی کمتر از بابندا داشت و اگر از ذرق
بین معلوم شود که مرض مزوج با اطر نیوکات نیست معالجه را
موقوف مینمائیم ولی در روز چهارم مقدار جدیدی از ده صد
مطر مکعب زرق مینمائیم برای پیش بینی از نکس مرض در
ما لنکار مناطق البعض بمقدار زیاد موجود نباشد از این مقبلد

## سرم ضد دیفتری

تجاوز نمینمائیم
در روز پنجم نبض و درجه حرارت و تنفس بهبودی
حاصل مینمایند و بیاض البیض اگرچه فی الجمله افزوده
شود ولی بدرجه نیست که محتاج بمقدار جدیدی از سرم باشد
ولی اگر زیاد باشد مقدار ۵ یا ۱۰ سانتیمتر مکعب تجدید زرق
مینمائیم خلاصه وجود بیاض البیض در ادرار دلیلیست برای اثر
تکزین دیفتری در کلیه پس از افزایش مقدار ضد تکزین بر
بی اثر نمودن تکزین در کلیه نافع است و بعضی قائلند که ضد
تکزین برای کلیه مضر است ولی بجهة بطلان این عقیده کافی است
رجوع بتجارب مسیو روه نمود چنانچه قبل از معالجه با زرق
ضد تکزین در دو ثلث از مبتلایان بدرد گلوی دیفتری خناق
بیاض البیض دیده میشود و پس از معالجه بعسرت در نصف
مرضا دیده میشود
و در باب انضمام و امتزاج دیفتری با استافیلوکک گفتگو

# نوع اوّل

نمی‌نمائیم چونکه رفتار آن با آنچه که ذکر شد تفاوتی ندارد و
شدت و خطر آن هم کمتر است

در سه حالت مذکوره که ما آنها را مانند نمونه و سرمشق اخذ
نمودیم مرضا شفا یافتند ولی در دو قسم دیگر درد گلوی دفتری
خالص منجر بهلاکت شود و عموماً مرگ قبل از ۲۴ ساعت
بعد از ابتدای معالجه عارض میشود اما در بعضی درد گلوهای
خالص ولی کشنده یعنی با مسموم شدن مزاج مرگ ممکن است
بواسطه سوء القنیه و فلج و اختلالات قلب و کلیه و غیره
پس از هفت یا هشت روز بعد از ابتدای معالجه عارض
شود اگرچه این حالت بسیار نادر است که در هر صد یک
یا دو نفر باشد ولی باید دانست که برای درد گلوی مزاجی دیگر
مرگ دیر یا زود روی دهد غیر بوطست ترکیبات دوائیه و گاهی هم بواسطه
عفونت مزاجی است که بواسطه میکروبهای انضمامیست
اکنون خناق را با سایر ضیقها مینمائیم که از آن ورم حنجره دیفتری مثل

در خناقهائیکه عمل بدی نموده اند باید انهارا مانند ردی کلو معالجه نمود ولی باید دانست که در علاج با سیرم عمل تنفس اهمیت پیدا مینماید در مبحث خناقهای با عمل بد بجا از مفصلا ذکر مینمائیم

## خناق خالص عمل شده

خناق عمل شده را نیز باید مانند ردی کلو تشخیص داد بخناق خالص و خناق امتزاجی در صورتیا ولی خناق عمل شده خالص در روز اولکه روز عمل تراکیمی است بنابر قاعده کلیه تم صد مطر مکعب زرق مینمائیم در روز دوم عمل را مکرر مینمائیم زیرا که علائم تنفسها متصاعد اند و در روز سوم نبض و درجه حرارت تنزل میشود و تنفس نباد میگردد اما بیاض البیض وجود ندارد و اکتفا مینمائیم مجدداً بزرق ده صد مطر و روز بعد لوله را از حنجره بیرون میاورند و نبض و درجه حرارت بحالت خوبی باقی مند پس تجدید زرق بیهوده است

## نوع اول

### خناق عمل شده با انضمام اثر سمی توکلک

درخناق الحلقی و انضمامی بطور مذکور سهل و ساده نیست
و در روز بعد از عمل تراکوتومی تقدمة المعرفه زیاد ردی است
با وجود زرق بیست صد مطر مکعب سرم در روز عمل و فردای
از روز تمام قوه [illegible] اعدند و بیاض البیض بمقدار بسیار
زیاد موجود است پس باید مقدار سرم را تجدید نمود و در
فردای زدن این مقدار حد باید اصلاح عمومی حاصل میشود
و تمام علامات تخفیف یابند ولی نباید از خطر انضمام غفلت نمود
و مثلا دو روز متوالی در هر روز ده صد مطر نیز زرق می
نمائیم

با وجود انعقاد پرمکرره در روز پنجم علت تنفس زیاد میگردد
و ورم شعب ریوی که از ترکیبات کثیره و خطره خناق انضمامیست
باعث خوف از هلاکت میگردد پس باید نیز مقدار حد بعدی از
سرم را استعمال نمود ولی فعلاً مینمائیم پنج صد مطر مکعب بوالطر

# سرم ضد دیفتری

نزول یکدرجه حرارت و نقصان بسیار زیاد بیاض البیض
و فردا اگر روز ۶ است میتوان لوله را از حنجره بیرون آورد
و طفل شفا مییابد قبلی غالباً این طور نیست و برای اجتناب از
عروض ورم شعب ریه در اینحالت در تمام مریضهای عمل شده همه
روزه روزی یکدفعه یکصد مطر مکعب روغن مانتل دار
دارد در لوله که در کلو فرو کرده اند داخل مینمائیم و ترکیب
روغن مانتل دار از اینقرار است

مانتل ۴ گرام روغن بادام شیرین ۱۰۰ گرام

بر لیست سیاهه از قرار استقراء خود در تنزل تلفات از مرض
دیفتری بعد از استعمال سرم مسیو رو ثبت نموده است
که از آن در اینجا مینگاریم
در خط ۱ و ۲ و ۳ و غیره تلفات هر زمانیست در چهارده روز مطابق
با پنجسال قبل از ۱۳۱۲ و دو سال دیگر ۱۳۱۳ ۱۳۱۳ و ۱۳۰۵ اگر
بر حسب اتفاق بدست آمده است و ارقام ارقام دو هفته اول هر سال است

# نوع دوئیم

| | ۱۳۰۲ | ۱۳۰۵ | ۱۳۰۸ | ۱۳۰۹ | ۱۳۱۰ | ۱۳۱۱ | ۱۳۱۲ | ۱۳۱۲ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۹۷ | ۸۱ | ۵۵ | ۷۴ | ۴۹ | ۸۳ | ۷۵ | ۲۶ |
| ۲ | ۱۰۶ | ۴ | ۵۱ | ۷۸ | ۶۰ | ۷۰ | ۵۷ | ۱۵ |
| ۳ | ۱۰۲ | ۷۱ | ۸۱ | ۷۶ | ۴۶ | ۵۱ | ۵۳ | ۲۳ |
| ۴ | ۱۱۲ | ۹۰ | ۸۱ | ۸۹ | ۶۱ | ۵۸ | ۵۲ | ۲۳ |
| ۵ | ۱۴۵ | ۸۴ | ۸۳ | ۹۳ | ۶۶ | ۶۲ | ۶۵ | ۲۲ |
| ۶ | ۱۴۵ | ۸۴ | ۹۲ | ۷۳ | ۷۴ | ۷۵ | ۷۴ | ۴۷ |
| ۷ | ۱۲۱ | ۷۸ | ۹۳ | ۷۶ | ۵۶ | ۶۲ | ۵۴ | ۱۵ |
| ۸ | ۱۱۴ | ۸۱ | ۷۱ | ۸۵ | ۵۸ | ۶۰ | ۶۱ | ۱۷ |
| ۹ | ۱۰۶ | ۷۴ | ۸۶ | ۶۹ | ۵۵ | ۹۱ | ۵۲ | ۱۹ |
| ۱۰ | ۹۴ | ۶۵ | ۷۴ | ۵۹ | ۵۶ | ۴۹ | ۴۹ | ۲۴ |
| ۱۱ | ۱۰۳ | ۷۳ | ۶۶ | ۶۲ | ۷۳ | ۵۳ | ۴۵ | ۱۵ |
| ۱۲ | ۸۸ | ۵۴ | ۵۲ | ۴۳ | ۳۳ | ۵۲ | ۳۰ | ۹ |
| ۱۳ | ۶۸ | ۵۵ | ۷۸ | ۳۳ | ۵۵ | ۴۶ | ۳۸ | ۴ |

## نوع دویم

## سایر سرمهای قراباکتری که غیر از تازکی معمول است

نتایج درخشنده که از استعمال سرم رو در علاج مرض دیفتری حاصل شد باعث امتحانات و تجسسات جدیده در علاج سایر امراض بواسطه سرمهای مخصوصه بکر گردید و بعد از شرح و بسط زیاد در این اعمال و تجارب جدیده برای تکمیل این معرفت نافعست که بطور اختصار رؤس مسائل از این بیان نمائیم.

**سرم ضد استرپتوکک** — باید دانست که مرض حمره (باد سرخ) و پورپوره را مرض است عفونی و علت آن استرپتوکک میباشد مسیو رو و مارمورک اسب و الاغ را معاف و مصون از این استرپتوکک نموده اند و سرم این حیوانات را که موسوم است بسرم ضد استرپتوکک زرق نموده اند در مرضای که مبتلای بحمره و حمای پورپورا گردیده اند برای اینکه ایشانرا از این امراض نجات و شفا دهند

# نوع دویم

۱۱۰ سرم ضد سیفیلیسی — برلیشت هربکور
در سک والاغ خون اشخاص سیفیلیسی را زرق نموده و سرم
خون این حیوانات را باسم سرم ضد سیفیلیس برای مناسب
مبتلای سیفیلیس زرق نموده اند مقصود ایشان از شفای این
مرض است

سرم ضد سرطانی — مسیو برلیشت و هریکور دند
۱۳۱۱ با انجمن علمی اظهار نموده اند در باب امتحاناتیکه در علاج
مرض سرطان بواسطه علاج با سرم نموده اند
یعنی سرطان استخوان مریضی را برداشته و از او آب مقطر اصلا
نموده و صاف نموده و در یک الاغ و دو سک تلقیح نموده
و از این زرق هیچ علامتی در آنها بروز ننمود و بعد از چند روز
سرم خون این حیوانات را که باین طور معاف از مرض شده بودند
در دو مریض زرق نمودند که یکی مبتلای بقیه زم و سارکم
اجزای صلکر بود و دیگری مبتلای بماده در محل فم معده

کہ دلیل بر سرطان معده بود و سرم ضد سرطانی در رد و مرض
مذکور با شرایط معینه نتایج بسیار خوب بخشید
تجارب سرمی در ضد استرپتوکک و ضد سفلیس و ضد سرطان
هنوز بطوری متعدد نیست که بتوان یقین نمود در اثرات آنها
در علاج حمی و حمای پوئرپورال و سفلیس و سرطان
سرم ضد کزاز — مسیو اپارک در ۱۳۱۲ امتحانات نمود
خود را در مرض کزاز با نجمن علمیه فرستاده و ثابت کرده است
که از امراض میکروبیست و سمیتی که تولید این مرض مینماید در محل
مخصوصیکه این اثر سمی مینماید بسیار قوی و شدید است و مقدار
بسیار کمی از آن کرا [illegible] نمود و باشند حیوانات کوچک
هلاک مینماید و [illegible] آن برای هلاک نمودن یک [illegible] است
کافیست
و ضد این سم سرم حیواناتیست که معافند از مرض کزاز زیرا
بر قاعده بهرنگ و کیتازاتو از اثر سرم ضد کزاز

## نوع دویم

نامیده سمّ کزاز برای آن میکنند قوّت آن در مقدار منشأ اثر
باندازه ایست که تکرر کزاز زائی اثر میکند
نا بجو بار عجب سرم ضد کزازی اعتبار و حقیقت علاجی که
منظور از آنست هنوز محل تأمل است و هر گاه از اول در انسان
یا حیوانات مبتلای باین مرض تزریق نمایند میتوانند صورت
شدت یا رفتار سیر بیماری مانع شوند هیچ تکرار در وقتیکه سرم ملقح
شد یعنی در هر وقتیکه علامات کزاز بروز نماید پیش از آن
تمام بدن مسموم گردیده آنوقت سرم در اختلالات حاصله در دستگاه
اعصاب بعد از تغییر یکه از سمّ در آن حاصل شده است تأثیر ندارد
و فایده ندارد مگر در صورتیکه مرض بطئی و در صورتیکه مزاج
و بتدریج مسموم شود اگر چه سرم ضد کزازی در علاج مرض
حتمی نیست ولی در صورتیکه برای پیشگیری از آن تزریق نمایند
نتایج بسیار خوب میدهد و در اینصورت حیوانات را بطور تلقیح
مصون مینمایند و این مصون بودن موقتی است مانند سایر سرمها

وازده

دارای دو تیم زیاد بعد از انجید نمود
و در صورتیکه محل عفونت و میکروب نسج ملتحمه مختلط
باشد حفظ حیوان بواسطه زرق ناسیرم یقینی است ولی
هرگاه دخول در این نسج عضلانی شد ازاثری ندارد اما اگر
صورت درانسان و حیوانات بسیار نادر است و این تفاوت
در حفظ و ایمنی بواسطه اینستکه در نسج ملتحمه خراب شدن
نکرین بواسطه سلولهای فاگوسیتی سهل و سریعه است تا
در نسج عضلانی
پس سرم ضد کزازی نتیجه نظر بیست در جلوگیری از کزاز
هیبشه میتوان بطور یقین جلوگیری از این مرض را نمود بواسطه
زرق این سرم خواه در اشخاصیکه جراحتی یا انهار نشده است
که از حیث محل و نوع جراحت مستعد بروز کزاز در آنها
باشد جراحات حاصله از خود شدن و جراحات حاصله از ضغط
و سقطه که در این جراحات خاک و غبار و دغاز و اجرا شده

# نوع دویم

باقی مانده است در جراحات خلیده و غایره اگر اجسام
خارجیهٔ ارضیه داخل در آن گردیده و خواه اشخاصی که
عمل جراحی در آنها نموده اند و همه کس این قبیل اعمال را میشناسد
که اسباب بروز مرض کزاز نیز میباشند اخته کردن و بریدن
دم و امثال اینکه در پای حیوانات خانگی مینمایند
استعمال سرم ضد کزازی در صورتیکه مقصود از جلوگیری
باشد نیز خدمت نمایان میکند در ممالک خط استوائی و امریک
و افریقا که در این امکنه کزاز بسیار شایع است حتی در جراحات
جزئیه و در بعضی از نواحی علت عمدهٔ هلاکت غلامان سیاه
میشود و نیز در ممالک شمالی اروپا اگر بسیاری از اطفال نوزاد
بمرض کزاز تلف میشوند استعمال سرم ضد کزازی بسیار
مفید است و بکار برده میشود. این علاج جلوگیری را در مرض
کزاز استعمال نمود و پس از آن اغلب بیطاران از پس از اخته
کردن استعمال نمودند و در حیواناتیکه اینعمل جراحی و تدبیر را

بکار برند

بکار بردند حالت کزازی بکلی موقوف گردید

سرم ضد توبرکولین یا سرم ضد سل مسیو
مارالیانو با انجمن طبی بُرد در ۱۳۱۲ اظهار کرد
در معالجه تازه ایکه در باب توبرکول بواسطه عملجاتیکه
با سرم تحصیل نموده است اظهار نمود و این معلم معروف در
۸۳ نفر که تمام علامات توبرکول ریوی در آنها بروز نموده
بود از درجات نسبتا خفیفه تا درجات نسبتا زیاده و بهبودی
صحیحه در آنها حاصل شد اما بدرجات مختلفه که مربوط بحالات
متفاوته مرضا بود

و مارالیانو میگوید که این معالجه جدید عدم کلی
و عمومیت دارد که شاگردان خود را هم سفارش مینماید که
در این باب اغراق نگویند و تجاوز از حدیکه منحصر بانست ننمایند
و باین عبارت میگوید که نباید تصور نمود که ادعای نتایج غیر
ممکنه نمود و میتوان تصدیق نمود بحتمی بودن طریقه جدیده

# نوع دوم



از معالجه وقتیکه میتوان ازالهٔ آن نمود مگر در مرضی بود
مزمنه از امراض و در وقتیکه در انجا اختلال اعضا
که از مرض عفونی حاصل شده است و در وقتیکه بدن بطوری مبتلا
گردیده است که دیگر نمیتوان انچه که منظور است حاصل نمود
یعنی در صورتیکه مرض بدن و مزاج او بطوری خراب و فاسد
نموده است که دیگر اصلاح پذیر نیست و علاج با سرم
ضد توبرکول ممکن است مفید باشد امید شفا هم مفقود است
فقط در اوقاتیکه بدن نگاهبان در منبع مخرب و تباه کنند
باشد

و در اینجا بهتر از همه انستکه نتایج اعمال این معلم معروف را
ذکر نمایم

میگوید حاصل تجارب من اینستکه میتوانم بگویم که از تجارب
عدیده که نموده ام بر من معلوم و ثابت شده استکه بواسطهٔ
سیرم ضد توبرکولی میتوان نتایج غالبه حاصل نمود

صور مخلوده و بکن حمای توبرکولین نیز میتوان کافی
در صورتیکه باشد بدیده و خطره بهبودی و اصلاح بی اندازه
حاصل نمود بالجمله در ۳۰۸ نفر توبرکولی که در شدت و
خفت مختلف بودند در آنها معالجه با سرم نمودم در شصت و
یکنفر شفا و فایده واقعه بخشید و در آنها یکه مرض کهنه
و مزمن نبود اغلب شفا یافتند و بعضی قریب بشفا و من مدعی
نیستم که کاشف و مخترع طریقه و علاج تازه میباشم بلکه
کشفیات متطلبه در واقع وقتی شده است که اطبا ثابت نمودند
که میتوان بواسطه بعضی قواعد در حیوانات ماده مخصوصه
حاصل کنند که آنها را از ابتلای بامراض عفونیه حفظ
و حراست نماید و این ماده در سرم خون بهم میرسد و
بواسطه سرم میتوان این مواد را منتقل بین حیوانات و
انسان نمود
پس از مقدمه شکی این اساس ناچار او بالطبع در مقام استعمال

## نوع دوئیم

این در علاج امراض مختلفه برآمده‌اند که از آنجمله مرض توبرکول
است و کمان من این است که بواسطهٔ سرم مخصوص بعضی موفق
خود میرسم ونتایجیکه از آن حاصل نموده‌ام نباید اسباب حیرت
شما شود زیرا که باب همچنین باکرن همین گونه نتایج را
بدست آورده‌اند ولی تفاوت ایشان با بنده فقط این است که
این دفعه اولیه است که اینان ایکرشنر علاجی از اسطر بغیر مخصوص صدر را
در معالجه مرضا بکار تمام شرایط حفظ صحی و علاجی آنها موجود
نموده است بکار برده‌اند و تصدیقات من نیز همان مبنی است بر
تجاربیکه در حیوانات نموده‌ام بلکه در معالجهٔ انسان هم بوده است
و من در زیر این غالبه میدانم بی اعتمادی و اعتراضاتیکه در این باب
خواهند نمود یعنی اعتراضاتیکه در باب سایرین نداین و ملحقات
مرض توبرکول نموده‌اند و اگر بدقت نظر کنند میدانند که
منشاء همهٔ اینها این غلط فاحشی است که توبرکول از امراض
لا علاج است و این را هم میدانم که همه کس از طبیب و غیر طبیب

# سایر سرمهای قرابادینی



میدانند که چاره توبرکولی که تا آخرین درجه مرض و مشرف
بموت رسیده است محالست و سرم هم نمیتواند تحصیل آنها
نماید ولی صریحا میگویم که هر کسیکه بواسطه سرم یا کره و بی
عیب مسلولین قابل علاج را معالجه نماید بواسطه نتایج
نیکوئی که خواهد دید یقینا فعل بنده را تصدیق مینماید
ولی لزومی ندارد که بگویم که این تبلیغ و اجتهاد در سه مجلس باز هم
و با هیاهوی افرینو بحسن قبول کرده است و کشف
مسبوقا را از کلیه انواع کشفهای بزرگ و عمده است اگر
بتوانند مانع رفتار و استیلای این بلای مهیب و شایع و مهلکی
گردد که تا بحال ازاله آنرا لاعلاج دانسته اند
در اینمقام ختم مینمائیم گفتگوی از سرم قرابادینی و سایر بقا
البته قابل ترتیب را ولی هرچند نتایج حاصله و امیدواریها
موعوده بی اندازه باشد باز میتوان سؤال نمود که اینده
و عاقبت این دو بیرالیه حیوانی چه خواهد شد و در اینباب

# نوع دوئم

چند کلمه از فوائد نباتات نابناى معلم مينكاديم و ابن معلم
میکویند که افکار او نیز در استعمال قرابادینی مواد حیوانی ناشی
از تجربه و مشاهده شخصیه من نکردیده است بلکه کلمه
شرایط قرابادینی را اخذ نموده اند از منشاء و اثر علی الظاهر هر یکی
این مواد در حیوانات عمل اوردنده اینها حاصل میشود چنانچه
ترشح معده خرچنک را برای دفع ترشی معده میدادند چنانکه بیدستر
در آلات تناسل فایده نیکو داشت و بواسطه شباهت بوی
ان مشک بایسته مطبوع رحم باشد و در امراضیکه منع تولید اینها
رحم است مانند اختناق رحم نیز نافعست و بانجهه ترو سوق
بیدی ازادرای ضد اختناق شمردند
و اطبا مانند [illegible] بهمین خیال استعمال مینمودند بیه یو و باه زاد
امراض صدری مانند سل و ضیق النفس و جگر و روده کرم گرا
در قولنج ریحی و مشیمه را نیز حرزی زنان رایند و سرافعی در حفظ
از کزیدن مار و امثال اینها

اگرچه ما با معالجات اسلاف خود مستحضریم ولی بواسطهٔ مراجعت غریبه ترکیب
حتی در ادارهٔ علمیه دیده میشود مادهٔ طبی جدیدی که از جنس حیوانی بود
نموده است و مسبوق بود پیدا نمیشد بلکه قسمی از ترشحات که طرز
شیمیائی آن کمتر معلوم است و بوسیلهٔ سنگاری انکشاف نموده است
و از استعمالات فیزیولوژی معلوم نموده است که بعضی ترشحات
غددی یا مجاری مترشحه مانند غدد عرقیه و دموی میباشد که داخل
در خون میشوند مواد را که سزاوار محکم نمودن آلات و اعضای بعده
ازان و بی اثر نمودن مواد مضره میباشد و کشف جدید اثر لوز المعده در عمل
کلیسمینک و غدهٔ درقیه در علاج تهیج اعصاب مخاطی جای شبهه در حقیقت
ترشحات داخلیه نمیگذارد

چنانچه استعمال رطوبات معده که سابقاً محل اعتراض و استهزاء بود امروز داخل
در ادارهٔ اعمال صحیحه گردیده است و اسباب حیرت و هیجان اساتذه شده است
ممکن است مشاهده کنند و زنگه در آن تمام امراض را بواسطهٔ رسم
قرابادینی یا رطوبات دیگر بدن معالجه مینمایند و امید که در دوا

دواخانجات انبار نموده اند بتقاضا به کرده است و این ترقیات علمیه
بقیاً در ادارهٔ طبیه امداد در اصلاح اعمال ناقصه سابقه مینماید
در انتظار نتیجهٔ صحیحهٔ این انقلاب و تحویل طبی و دوائی بهتر آنست که
عبارات بوشارد را که در سنهٔ ۱۳۱۳ نطق نموده است ذکر نمائیم
که بطور کلی از سرم قرابادینی زیاد در بدن بیان مینمایند و میگوید اگر از این
اثر سرمهای ضد تکسینی سرم قرابادینی در حالت التکیه بروز مینماید
اعمال التکیه بواسطه اینها تنها بالطبع خود را محفوظ از ابتلای میکروبها
نمائیم و سموم تنها یا اکثری زیاد باشد و این سرم قرابادینی نیز داخل در
قرابادین طبیعی میگردد تا این اختصاصات را که دارا است حیوان ساخته است
و یقین است که این ترقیات غالبه علاجیه بنای کهنهٔ طب را متزلزل مینماید
سهل است از اساس محکم میسازد و تدابیر جدیده و قدیمه بنای کهنه
طبیعت علاج را مستدام و خلل ناپذیر مینماید

وقد ختم ذلك في شهر رمضان المبارك من شهور سنة ۱۳۱۸ حرره المذنب
العاصي يحيى محمد باقر الطائي التفرشي الملقب بكاتب همايون تمت

## ترجمهٔ پارهٔ الفاظ و اصطلاحات

استافیلوکک — موجود ذره بینی است که علت ریم است

استرپتوکک — علت حمره و بوربور است

اورمی — دخول اوره در خون

باکتری — موجود ذره بینی

باکتریولوژی — معرفت باکتریست

باسیل — موجود ذره بینی است

پپتن — ماده ئیست که از رطوبت معده اخذ میشود

پلاتین — فلزی شبیه بنقره و از طلا وزین تر است

پیپت — ظرف حمل و نقل مایعات است

تکوتی — عمل سوداخ کردن حنجره

تلزین — یکنوع رشح حیوان ذره بینی است

توبرکول — دانه هائیست که در مسلولین منفرج میشود

سارکم — ماده ایست شبیه بسرطان

سلول — اجزاء ذره بینی است نسج حیوان و نباتست

شمع چینی – یکنوع مادیست از چینی لعابدار که بشکل شمع ساخته میشود

فاگوسیت – موجودات ذره بینی است که در خون شناور اند

فیبرم – مواد لیفی است

فیزیولوژی – معرفة اعمال البدن

کاوو تشو – یکنوع سقز یست که از اسبابهای متعدد میسازند

کبای – حیوانیست از جنس موش

گلبول – بمعنای کرات صغیره است

گلیسمیک – بروز قند در خون

گرام – قریب بیست نخود است

لیتر – هزار گرم است

میکروب – موجود ذره بینی است

نوراستنی – امراض عصبانی

ویروس – مانند تعفنی امراض است

هیدروفیل – پنبه مخصوص است





